

Cybersquatting and Typosquatting in Light of the Uniform Domain Name Dispute Resolution Policy (UDRP) and WIPO Decisions: Lessons for the Iranian Legal System

Abstract

In the digital age, domain names have become vital tools for identifying and accessing internet resources. However, disputes arising from abuses such as cybersquatting and typosquatting have created significant legal challenges. The Uniform Domain Name Dispute Resolution Policy (UDRP), established by the World Intellectual Property Organization (WIPO), was designed as an efficient framework for addressing such disputes. This policy is founded on three primary criteria: the domain name being confusingly similar to a trademark, the domain holder lacking a legitimate right or interest, and the domain being registered and used in bad faith. An analysis of key WIPO cases reveals that the arbitration practice in this area seeks to strike a balance between protecting intellectual property rights and preventing online abuses. These decisions highlight the importance of trademark fame and its role in establishing bad faith. Despite the advantages of the UDRP, such as speed and low cost, challenges persist, including the difficulty of proving bad faith and the limitations of non-in-person proceedings. Refining the guidelines for assessing bad faith and increasing transparency in the arbitration process could strengthen this system. Ultimately, as an effective mechanism for resolving domain name disputes, the UDRP plays a key role in safeguarding intellectual property rights in the digital space.

Keywords: Domain Name, UDRP, WIPO, Cybersquatting, Typosquatting.

سایبراسکواتینگ و تایپواسکواتینگ در پرتو سیاست یکنواخت حل و فصل اختلافات نام دامنه (UDRP) و آرا

وایپو (WIPO): درس‌هایی برای سیستم حقوقی ایران

علی قناتی (نویسنده مسئول)

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

a.ghanati@isu.ac.ir

طاهر حبیب زاده

استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

t.habibzadeh@isu.ac.ir

محمد رضا قنبریان

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

m.ghanbarian@isu.ac.ir

مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان «چالش‌های حقوقی ثبت نام دامنه اینترنتی و استفاده از آن در حقوق ایران، با نگاهی به مقررات و آرا داوری وایپو و حقوق آمریکا و راهکارهای پیشنهادی» است.

چکیده

در عصر دیجیتال، نام‌های دامنه به ابزارهای حیاتی برای شناسایی و دسترسی به منابع اینترنتی تبدیل شده‌اند، اما اختلافات ناشی از سوءاستفاده‌هایی مانند سایبراسکواتینگ (سوءاستفاده از نام دامنه) و تایپواسکواتینگ (سوءاستفاده تایپی از دامنه) چالش‌های حقوقی قابل توجهی ایجاد کرده‌اند. سیاست یکسان حل اختلافات نام‌های دامنه توسط سازمان جهانی مالکیت فکری به عنوان چارچوبی کارآمد برای رسیدگی به این دعاوی طراحی شده است. این سیاست بر سه معیار اصلی استوار است: شباهت گمراه‌کننده دامنه با علامت تجاری، فقدان حق قانونی صاحب دامنه، ثبت و استفاده با سوءنیت. بررسی‌ها پرونده کلیدی وایپو نشان می‌دهد که رویه داوری در این حوزه به دنبال تعادل میان حمایت از حقوق مالکیت فکری و جلوگیری از سوءاستفاده‌های برخط است. این آراء اهمیت شهرت علامت تجاری و نقش آن در احراز سوءنیت را برجسته می‌کنند. با وجود مزایای سیاست یکسان حل اختلافات نام‌های دامنه مانند سرعت و هزینه کم، چالش‌هایی مانند دشواری اثبات سوءنیت و محدودیت‌های رسیدگی غیرحضوری نیز وجود دارد. بهبود دستورالعمل‌های ارزیابی سوءنیت و افزایش شفافیت در فرآیند داوری می‌تواند به تقویت این نظام کمک کند. در نهایت، این سیاست به عنوان یک فرآیندی مؤثر برای حل اختلافات نام‌های دامنه، نقش کلیدی در حفظ حقوق مالکیت فکری در فضای دیجیتال ایفا می‌کند.

واژگان کلیدی: نام دامنه، UDRP، وایپو، سایبراسکواتینگ، تایپواسکواتینگ.

در عصر دیجیتال، نام‌های دامنه نه تنها به‌عنوان آدرس‌های فنی برای شناسایی و دسترسی به منابع اینترنتی عمل می‌کنند، بلکه به یکی از ارزشمندترین دارایی‌های نامشهود در فضای مجازی تبدیل شده‌اند. این نام‌ها در واقع همانند یک «نشانی تجاری برخط» عمل کرده و نقشی تعیین‌کننده در هویت‌سازی، بازاریابی و اعتمادسازی برای کسب‌وکارها ایفا می‌کنند. به همین دلیل، انتخاب و ثبت یک نام دامنه مناسب می‌تواند بر جایگاه رقابتی شرکت‌ها در بازار جهانی تأثیر مستقیم داشته باشد. با گسترش تجارت الکترونیک و رشد اهمیت حقوق مالکیت فکری در بستر دیجیتال، اختلافات مرتبط با دامنه‌ها به یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی در سطح بین‌المللی بدل شده است.

این اختلافات عموماً از سوءاستفاده‌هایی نظیر سایبراسکواتینگ^۱ - ثبت دامنه‌های مشابه یا یکسان با علائم تجاری شناخته‌شده با هدف فروش یا کسب منفعت نامشروع - و تایپواسکواتینگ^۲ - ثبت دامنه‌های حاصل از خطاهای تایپی متداول کاربران به‌منظور هدایت آنها به وبسایت‌های دیگر - ناشی می‌شوند. چنین رفتارهایی می‌تواند به نقض حقوق مالکیت فکری، به‌ویژه علائم تجاری منجر شده و خسارات قابل توجهی از حیث مالی، کاهش اعتبار برند و از بین رفتن اعتماد مصرف‌کنندگان برای صاحبان کسب‌وکارها به همراه داشته باشد. از این رو، توسعه سازوکارهای حقوقی بین‌المللی از جمله سیاست یکنواخت حل اختلاف نام‌های دامنه (UDRP)، در پاسخ به این نیاز اساسی، جایگاهی ویژه در نظام مالکیت فکری معاصر یافته است.^۳

حل و فصل اختلافات نام دامنه از دو طریق امکان‌پذیر است: نخست، مراجعه به دادگاه‌ها و مراجع قضایی هر کشور و دوم، استفاده از مراکز داوری و میانجی‌گری بین‌المللی. در مراکز داوری، رسیدگی غالباً بر اساس سیاست یکنواخت حل اختلاف نام‌های دامنه آیکان و اغلب در مرکز داوری و سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) انجام می‌شود.^۴

«سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه» که توسط سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) به‌عنوان یکی از نهادهای اصلی حل و فصل اختلافات مورد تأیید آیکان (ICANN) اجرا می‌شود، امروزه به‌عنوان یک چارچوب بین‌المللی کارآمد در حوزه مالکیت فکری محسوب می‌گردد. این سیاست به صاحبان علائم تجاری این امکان را می‌دهد که در مواردی که نام دامنه‌ای به صورت نامشروع و با سوءنیت ثبت شده یا استفاده می‌شود، از طریق یک فرآیند ساده، غیرقضایی، سریع و کم‌هزینه، حقوق خود را استیفا کنند. اجرای این سازوکار نه تنها موجب کاهش حجم دعاوی پیچیده در دادگاه‌های ملی شده، بلکه با ایجاد رویه‌ای نسبتاً منسجم، امنیت و پیش‌بینی‌پذیری بیشتری برای فعالان اقتصادی و صاحبان برندها در فضای برخط به همراه آورده است. بدین ترتیب، سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه نقشی اساسی در حمایت از حقوق مالکیت فکری در عصر دیجیتال ایفا می‌کند و به مقابله با پدیده‌هایی چون سایبراسکواتینگ و سوءاستفاده از نام‌های دامنه یاری می‌رساند.^۵

هدف این پژوهش، بررسی مسئولیت‌های حقوقی مرتبط با سوءاستفاده از نام‌های دامنه و تحلیل آرای صادره توسط وایپو در چارچوب سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه است. این مطالعه به دنبال شناسایی مبانی حقوقی سوءاستفاده از نام‌های دامنه، بررسی مصادیق تعارضات دامنه و تحلیل رویه‌های داوری وایپو در این زمینه و ارائه راهکارهایی برای نظام حقوقی ایران است. ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که با گسترش تجارت الکترونیک و افزایش ارزش اقتصادی نام‌های

^۱ Cybersquatting

^۲ Typosquatting

^۳ Froomkin, Uniform Dispute Resolution Policy, 701

^۴ هوشمند، روجا. حل و فصل اختلافات ناشی از ثبت دامنه در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی با تأکید بر رویه محاکم قضایی. (۱۳۹۷): ۸۵

^۵ WIPO Overview of WIPO Panel Views on Selected UDRP Questionst 2021

دامنه، نیاز به چارچوب‌های حقوقی شفاف و کارآمد برای حل اختلافات مرتبط با نام دامنه‌ها چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی بیش از پیش احساس می‌شود

در سطح بین‌الملل، سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه به‌عنوان ابزاری مؤثر برای رسیدگی به دعاوی نام دامنه شناخته می‌شود که بر اساس سه معیار اصلی شامل شباهت گمراه‌کننده دامنه با علامت تجاری، فقدان حق قانونی صاحب نام دامنه و ثبت و استفاده با سوءنیت عمل می‌کند. این سیاست، با ارائه راهکاری سریع و کم‌هزینه، به مالکان علائم تجاری امکان می‌دهد تا حقوق خود را در برابر سوءاستفاده‌های برخط حفظ کنند. با این حال، پیچیدگی‌های ناشی از ماهیت فرامرزی اینترنت و تنوع مصادیق سوءاستفاده، ضرورت بررسی دقیق‌تری صادره در این حوزه را برجسته می‌کند. پژوهش حاضر با مطالعه دو نمونه از آرای کلیدی وایپو به تحلیل رویه‌های موجود پرداخته است. رای نخست، پرونده *Telstra Corporation Limited v. Nuclear Marshmallows*⁶ در سال ۲۰۰۰، به بررسی مفهوم «نگهداری غیرفعال» به‌عنوان مصداق سوءنیت می‌پردازد، در حالی که رأی دوم، پرونده *ESPN, Inc. v. XC2*، به موضوع تایپوسکوآنینگ و سوءاستفاده از شهرت علامت تجاری برای هدایت ترافیک به وبسایت‌های رقیب اختصاص دارد. این مطالعه با تحلیل این آرا، به دنبال ارائه پیشنهادی برای بهبود فرآیندهای حل اختلاف و تقویت حفاظت از حقوق مالکیت فکری در فضای دیجیتال و ارائه راهکارهایی برای نظام حقوقی ایران است.

در حوزه حل‌وفصل اختلافات نام دامنه، تحقیقات متعددی انجام شده است که عمدتاً بر مبنای حقوقی سیاست یکسان حل اختلافات دامنه و عملکرد مرکز داوری و میانجی‌گری متمرکز بوده‌اند. پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که مطالعات پیشین بیشتر بر تحلیل چارچوب‌های حقوقی و رویه‌های داوری پرداخته‌اند.

نوآوری این پژوهش در مقایسه با مطالعات پیشین را می‌توان در چند محور اصلی تبیین کرد. نخست آن‌که این تحقیق با تمرکز بر تحلیل تطبیقی آرای شاخص سازمان جهانی مالکیت فکری، به‌ویژه پرونده‌هایی همچون *Telstra v. Nuclear Marshmallows* و *ESPN v. XC2*، می‌کوشد الگوهای حاکم بر داوری‌ها را شناسایی و تبیین کند و از این طریق یک رویه حقوقی حاکم بر داوری‌ها را استخراج نماید. دوم آن‌که این پژوهش با واکاوی عمیق‌تر نقش عوامل تعیین‌کننده‌ای همچون میزان شهرت علامت تجاری و پدیده «نگهداری غیرفعال»⁷ در فرآیند احراز سوءنیت، تلاش می‌کند ابعاد کمتر مورد توجه قرارگرفته در آثار پیشین را برجسته ساخته و بدین‌سان سهمی در غنای ادبیات موضوع ایفا نماید. سوم آن‌که این پژوهش بدنبال آن است که با تحلیل رویه و الگوهای حاکم بر داوری‌ها برای نظام حقوقی ایران پیشنهاداتی به منظور حل و فصل اختلافات ناشی از نام‌دامنه‌ها ارائه دهد. با این حال مهم‌ترین منابع پژوهشی مرتبط با این حوزه که قبلاً توسط پژوهشگران نگاشته شده است؛ عبارت‌اند از:

۱. مقاله «نقش داوری و میانجیگری در حل‌وفصل اختلافات مالکیت فکری با نگاهی بر مقررات وایپو» (میلاد الماسی) با بررسی ساختار مرکز داوری و میانجیگری وایپو نتیجه می‌گیرد که داوری و میانجیگری به‌دلیل سرعت، هزینه کمتر و تخصصی بودن، جایگزینی مؤثر برای رسیدگی قضایی در اختلافات مالکیت فکری هستند.
۲. مقاله «رویکرد نظام قضایی ایران در برابر ثبت با سوءنیت نام دامنه» (محمد امیر دهستانی) نشان می‌دهد که رویه قضایی ایران، نام دامنه را دارای کارکرد تجاری مشابه علامت تجاری می‌داند و با استناد به قوانین داخلی، از امکان پیگیری مدنی و کیفری ثبت‌های سوءنیت‌دار حمایت می‌کند.

6 <https://www.wipo.int/amc/en/domains/decisions/html/2000/d2000-0003.html>

7 Passive Holding

۳. مقاله «روش‌های حل‌وفصل اختلافات نام دامنه با تأکید بر رویه داوری وایپو» (محمد امین حسین‌آبادی) با تحلیل آرای وایپو بیان می‌کند که حمایت از مالکان علائم تجاری بر سه معیار شباهت گمراه‌کننده، نبود حق مشروع و سوءنیت در ثبت یا استفاده استوار است.

۴. مقاله «نظام حقوقی حاکم بر نام دامنه در حل‌وفصل اختلافات (با تأملی بر ماده ۶۶ قانون تجارت الکترونیک)» (محبوب حسینی و راضیه فامیلی) با مقایسه قوانین ایران و سازوکار سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه تأکید می‌کند که این سیاست به دلیل سرعت و تخصصی بودن، ابزار مؤثری برای حل اختلافات دامنه است و با بررسی نمونه دعاوی، نقاط قوت و ضعف آن را تحلیل می‌کند.

این مطالعه با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی - تحلیلی و در قالب مطالعه موردی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش را آراء صادره از سوی مرکز داوری و میانجی‌گری سازمان جهانی مالکیت فکری در چارچوب «سیاست یکنواخت حل اختلافات نام دامنه» تشکیل می‌دهد. به منظور تمرکز بر ابعاد نظری و عملی موضوع، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده گردیده و دو پرونده شاخص - *Telstra v. Nuclear Marshmallows* و *ESPN v. XC2* - به دلیل نقش برجسته آنها در تبیین مفاهیمی همچون «احراز سوءنیت» و «تایپوسکوآتینگ» به عنوان نمونه‌های موردی انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل اسناد حقوقی، متون دکترین، آراء داوری و منابع علمی معتبر در حوزه حقوق مالکیت فکری است. برای ارتقای روایی و اعتبار یافته‌ها، داده‌ها از پایگاه‌های رسمی و معتبر سازمان جهانی مالکیت فکری گردآوری و در فرآیند تحلیل، با ادبیات نظری و مطالعات پیشین تطبیق داده شده‌اند.

۱ چپستی نام دامنه و اهمیت آن

گسترش اینترنت و ماهیت فرامرزی آن باعث شده نام‌های دامنه، که مختص فضای مجازی هستند، به ابزاری مهم در تجارت جهانی تبدیل شوند. این نام‌ها پس از ظهور اینترنت به وجود آمدند و امروزه نقش مهمی در شناسایی و دسترسی به منابع اینترنتی دارند. ارتباط میان حقوق مالکیت فکری و نام‌های دامنه به دلیل ارزش اقتصادی و هویتی آنها در جوامع مدرن، بسیار گسترده و قابل توجه است.^۸ برای ارتباط رایانه‌ها با یکدیگر در شبکه، هر دستگاه باید دارای یک نشانی IP منحصر به فرد باشد که به صورت رشته‌ای از اعداد پیچیده و طولانی است. اگرچه این نشانی‌ها برای رایانه‌ها قابل فهم هستند، اما کاربران انسانی برای سهولت در به‌خاطر سپردن و شناسایی، استفاده از نام‌های دامنه را ترجیح می‌دهند. نام‌های دامنه، معادل متنی نشانی IP است و به کاربران این امکان را می‌دهد که راحت‌تر به وبسایت‌ها و منابع اینترنتی دسترسی پیدا کنند. برای ترجمه این نام‌های متنی به نشانی‌های عددی قابل فهم برای رایانه‌ها، سامانه‌ای تحت عنوان سیستم نام دامنه (DNS)^۹ ایجاد شده است. DNS مانند یک دفترچه راهنما عمل می‌کند که نام‌های دامنه را به نشانی‌های IP مرتبط آنها تبدیل می‌کند و نقش کلیدی در عملکرد اینترنت ایفا می‌کند. این سیستم باعث می‌شود کاربران نیازی به حفظ نشانی‌های عددی نداشته باشند.^{۱۰} به عبارت دیگر سامانه نام دامنه، یک سیستم سلسله‌مراتبی و توزیع‌شده برای ترجمه نام‌های دامنه قابل شناخت انسانی به آدرس‌های عددی IP است که قابل پردازش توسط رایانه‌ها بوده و امکان دسترسی بدون زحمت کاربران به منابع اینترنتی را فراهم می‌نماید. این سیستم با تخصیص

۸. حبیبی و فامیلی، نظام حقوقی حاکم بر نام دامنه در حل و فصل اختلافات (با تأملی بر ماده ۶۶ قانون تجارت الکترونیک)، ۹۳.

9. Domain Name System

۱۰. مطالعات و پژوهش‌های حقوق اقتصادی و بازرگانی، ۲۲۸-۲۲۷.

مسئولیت مدیریت و نگهداری حوزه‌های مختلف نام به سرورهای مجزا، ضمن بهبود مقیاس‌پذیری، امنیت و تحمل خطا را در ساختار اینترنت تضمین می‌کند.^{۱۱}

بر اساس تعریف ارائه‌شده در RFC 1034 توسط گروه مهندسی اینترنت (IETF)، دامنه‌های اینترنتی ساختاری سلسله‌مراتبی دارند که از برچسب‌هایی (labels) تشکیل شده‌اند و با نقطه از یکدیگر جدا می‌شوند. این ساختار از سمت راست به چپ خوانده می‌شود، به طوری که برچسب سمت راست‌ترین نشان‌دهنده دامنه سطح بالا است. برای مثال، در دامنه `www.example.com`، بخش `com` دامنه سطح بالا و `example` دامنه سطح دوم محسوب می‌شود.^{۱۲}

اگرچه دامنه‌های اینترنتی در ابتدا برای تسهیل دسترسی فنی به منابع اینترنتی طراحی شده بودند، اما به مرور زمان به عنوان شناسه‌های تجاری نیز مورد استفاده قرار گرفتند. سازمان جهانی مالکیت فکری اشاره می‌کند که دامنه‌ها به دلیل قابلیت به یاد ماندنی بودن، به ابزارهای شناسایی تجاری تبدیل شده‌اند و در تبلیغات و برندینگ نقش مهمی ایفا می‌کنند.^{۱۳}

۱-۱ انواع دامنه

به طور کلی نام‌های دامنه بر اساس سطح سلسله‌مراتبی و کاربرد به دسته‌های زیر تقسیم می‌شوند:

۱-۱-۱ دامنه‌های سطح بالا

دامنه‌های سطح بالا^{۱۴} بخش پایانی هر نام دامنه در اینترنت هستند و نقش مهمی در هویت‌بخشی و سازمان‌دهی فضای مجازی دارند.

۱-۱-۱-۱ دامنه‌های عمومی سطح بالا

دامنه‌های عمومی سطح بالا^{۱۵} برای استفاده عمومی طراحی شده‌اند و معمولاً به نوع خاصی از سازمان‌ها یا فعالیت‌ها اشاره دارند. معروف‌ترین این نوع دامنه شامل: `com` (تجاری)، `org` (سازمان‌های غیرانتفاعی)، `net` (شبکه‌ها) و `gov` (نهادهای دولتی) هستند.^{۱۶}

از طرف دیگر، دامنه‌های جدید سطح بالا توسط آیکان برای افزایش تنوع و انعطاف‌پذیری نظام نام‌گذاری معرفی شده‌اند که با پسوندی مانند `app`، `tech` و `shop`، به کسب‌وکارها و افراد امکان ایجاد هویت دیجیتال مشخص‌تر و برندسازی خلاقانه‌تر را می‌دهند. این دامنه‌ها با هدف پاسخ به نیازهای روبه‌رشد اینترنت طراحی شده‌اند و با گسترش استفاده از آن‌ها، مدیریت و حفاظت از حقوق مالکیت فکری اهمیت بیشتری پیدا کرده است.^{۱۷}

۱-۱-۱-۲ دامنه‌های کشوری سطح بالا

دامنه‌های کشوری سطح بالا^{۱۸} به کشورها یا مناطق خاص اختصاص دارند و معمولاً از دو حرف بر اساس استاندارد ISO 3166-1^{۱۹} تشکیل شده‌اند. نمونه‌هایی از آن شامل: `ir` (ایران) و `uk` (بریتانیا) هستند. هر

11 . ICANN, Types of domain names

12 Internet Engineering Task Force, Domain Name System Structure and Delegation

13 WIPO, WIPO Arbitration and Mediation Center, 2023

14 Top-Level Domains- TLDs

15 Generic Top-Level Domains- gTLDs

16 ICANN, New gTLD Program: Frequently Asked Questions, 2023

17 ICANN, Types of domain names

18 Country Code Top-Level Domains- ccTLDs

^{۱۹} این استاندارد بخشی از استانداردهای ایزو ۳۱۶۶ است که برای نام کشورها به کار می‌رود.

کشور قوانین و سیاست‌های خاص خود را برای ثبت و مدیریت این دامنه‌ها دارد. به عنوان مثال، در ایران، ثبت دامنه‌های .ir، از طریق مرکز ثبت دامنه‌های کشوری (ایرنیک) انجام می‌شود. این دامنه‌ها برای شناسایی هویت جغرافیایی و محلی در اینترنت استفاده می‌شوند.^{۲۰}

۳-۱-۱-۱ دامنه‌های ویژه یا محدود

دامنه‌های ویژه یا محدود^{۲۱}، دامنه‌هایی با محدودیت‌های خاص هستند که برای سازمان‌ها یا نهادهای مشخص طراحی شده‌اند. به عنوان مثال، دامنه .edu برای مؤسسات آموزشی معتبر در نظر گرفته شده است. این دامنه‌ها به منظور سازمان‌دهی بهتر و شناسایی دقیق‌تر نهادها در اینترنت ایجاد شده‌اند.^{۲۲}

۱-۱-۲ دامنه‌های سطح دوم

دامنه‌های سطح دوم^{۲۳}، بخش اصلی آدرس‌های اینترنتی هستند که کاربران مستقیماً ثبت می‌کنند. این دامنه‌ها از ترکیب یک نام انتخابی با دامنه سطح بالا (TLD) شکل می‌گیرند؛ مانند example.com. نقش آن‌ها ایجاد هویت منحصر به فرد برای وبسایت‌ها، تمایز میان کاربران و تسهیل دسترسی به منابع برخط است.^{۲۴}

۳-۱-۱-۳ دامنه‌های سطح سوم

دامنه‌های سطح سوم^{۲۵} زیرمجموعه‌ای از دامنه سطح دوم هستند که برای سازمان‌دهی و جداسازی بخش‌های مختلف یک وبسایت یا ارائه خدمات مستقل به کار می‌روند. نمونه‌هایی مانند blog.example.com یا mail.example.com نشان می‌دهند که چگونه زیردامنه‌ها مدیریت محتوا، خدمات و ساختار وب را تسهیل می‌کنند.^{۲۶}

۴-۱-۱ دامنه‌های بین‌المللی

دامنه‌های بین‌المللی^{۲۷} امکان استفاده از نویسه‌های غیرلاتین، مانند عربی، فارسی، چینی یا روسی را فراهم می‌کنند. این دامنه‌ها به کاربران اجازه می‌دهند تا نام دامنه‌هایی را به زبان و خط خود ثبت کنند، که گامی مهم در جهت بومی‌سازی و چندزبانه شدن اینترنت است. برای مثال، دامنه‌ای به زبان فارسی مانند مثال .ir یک دامنه بین‌المللی محسوب می‌شود. این دامنه‌ها با استفاده از استانداردهای مشخص و به آدرس‌های قابل فهم برای سامانه نام دامنه تبدیل می‌شوند. به عبارت دیگر دامنه‌های بین‌المللی نام‌هایی هستند که شامل کاراکترهایی فراتر از حروف لاتین، اعداد و خط تیره‌اند و به کاربران اجازه می‌دهند از اسکریپت‌های محلی مانند فارسی برای ثبت دامنه استفاده کنند. این

20 Domain News, Understanding TLD, gTLD, nTLD, and ccTLD, 2023

21 Sponsored top-level domain- sTLDs

22 Mockapetris, Domain names - Concepts and facilities

23 Second-Level Domains- SLDs

24 OECD, Internet Domain Names, 1997, 12

25 Third-Level Domains- TLDs

26 OECD, Internet Domain Names, 1997, 12

27 Internationalized Domain Names - IDNs

ویژگی، محافظت از هویت زبانی و فرهنگ بومی را تسهیل می‌کند. در ساختار ثبت نام دامنه، چنین دامنه‌هایی با الگوریتم کدگذاری دامنه بین‌المللی^{۲۸} به رشته‌هایی قابل فهم توسط سیستم نام دامنه تبدیل می‌شوند.^{۲۹}

۲ مصادیق تعارض و سوءاستفاده از دامنه

در بستر اینترنت، نام‌های دامنه به‌مثابه شناسه‌های کلیدی هویت دیجیتال و ابزار دسترسی به منابع، جایگاهی راهبردی در تجارت الکترونیک و ارتباطات دارند. با این حال، ماهیت آزاد و نسبتاً ساده فرآیند ثبت دامنه، زمینه‌ساز شکل‌گیری تعارض‌ها و سوءاستفاده‌هایی شده است که پیامدهای قابل توجهی بر حقوق مالکیت فکری و اعتماد کاربران بر جای می‌گذارد. پدیده‌هایی همچون سایبراسکواتینگ، تایپواسکواتینگ از مهم‌ترین مصادیق سوءاستفاده در این حوزه به شمار می‌آیند.^{۳۰ ۳۱} بررسی این موارد نشان می‌دهد که تعارض‌های دامنه‌ای نه تنها تهدیدی جدی برای حقوق دارندگان علائم تجاری محسوب می‌شوند، بلکه موجب گمراهی کاربران و تضعیف اعتماد عمومی به محیط دیجیتال نیز می‌گردند؛ امری که ضرورت وجود سازوکارهای بین‌المللی کارآمدی همچون سیاست یکنواخت حل اختلاف نام‌های دامنه را بیش از پیش آشکار می‌سازد. برخی از مهم‌ترین مصادیق این سوءاستفاده‌ها عبارتند از:

۱-۲ سوءاستفاده از نام دامنه (سایبراسکواتینگ)

سایبراسکواتینگ^{۳۲} به ثبت یا استفاده از نام دامنه‌ای اشاره دارد که مشابه یا یکسان با یک علامت تجاری معروف است، با هدف فروش آن به هر شخصی اعم از مالک یا ثالث یا بهره‌برداری از شهرت آن. این عمل معمولاً با سوءنیت و بدون داشتن حق قانونی نسبت به دامنه انجام می‌شود.^{۳۳}

بنابراین سایبراسکواتینگ یا «غصب سایبری» به معنای ثبت یا تصاحب نام دامنه‌ای است که تقریباً با یک علامت تجاری شناخته‌شده مطابقت دارد، توسط شخصی که قصد استفاده یا کسب سود از شهرت یا اعتبار آن علامت به‌صورت ناعادلانه را دارد، مثلاً با فروش دامنه به صاحب واقعی، با قیمت بالا، یا هدایت کاربران به وبسایتی دیگر.^{۳۴}

سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) تا سال ۲۰۲۰ بیش از ۵۰۰۰ پرونده مربوط به سایبراسکواتینگ را بررسی کرده است.^{۳۵}

۲-۲ سوءاستفاده تایپی از دامنه (تایپواسکواتینگ)

تایپواسکواتینگ^{۳۶} شامل ثبت دامنه‌هایی است که با اشتباهات تایپی یا املائی مشابه نام‌های دامنه معروف هستند، به طوری که کاربران با وارد کردن اشتباه آدرس، به سایت‌های جعلی هدایت می‌شوند. بنابراین تایپواسکواتینگ یا «غصب دامنه بر مبنای خطای تایپی» یکی از اشکال رایج از نام‌های دامنه است که در آن فرد یا نهادی، دامنه‌ای را ثبت می‌کند که از لحاظ نوشتاری بسیار شبیه به یک نام دامنه معتبر و شناخته‌شده است، اما در آن خطاهای جزئی تایپی یا نگارشی وجود دارد. این خطاها معمولاً

²⁸ Punycode

²⁹ International Telecommunication Union, Internationalized Domain Names, 2009

³⁰ Froomkin, ICANN's "Uniform Dispute Resolution Policy", 652

³¹ WIPO, WIPO Overview of WIPO Panel Views on Selected UDRP Questions, 930

³² Cybersquatting

³³ Mercer, Cybersquatting: Blackmail on the Information Superhighway, 2

³⁴ اسلامی‌پناه و تقی‌زاده، پدیده غصب سایبری و طرق حل اختلاف مربوط بدان؛ با تمرکز بر سیاست متحدالشکل حل‌وفصل اختلافات نام دامنه، ۵۹

³⁵ WIPO, WIPO Guide to the Uniform Domain Name Dispute Resolution Policy

³⁶ Typosquatting

ناشی از اشتباهات رایج کاربران هنگام تایپ نام دامنه در مرورگر (مانند حذف یا جابجایی یک حرف، افزودن یک کاراکتر اضافه، یا استفاده از کلیدهای مجاور در صفحه کلید) هستند. هدف اصلی در تایپواسکوآتینگ، هدایت ناآگاهانه کاربران به یک وبسایت دیگر برای کسب منافع تجاری نامشروع، تبلیغات، فروش کالا و خدمات غیرمجاز یا حتی اقدامات مجرمانه‌ای مانند فیشینگ و سرقت اطلاعات است.^{۳۷}

این پدیده در واقع نوعی از Cybersquatting محسوب می‌شود، بدین صورت که در آن سوءاستفاده‌گر به جای ثبت مستقیم یک علامت تجاری شناخته‌شده، از خطاهای تایپی و لغوی کاربران در وارد کردن آدرس وبسایت سوءاستفاده می‌کند. بدین ترتیب، تایپواسکوآتینگ هم نقض آشکار حقوق مالکیت فکری و هم تهدیدی جدی برای اعتماد و امنیت کاربران اینترنتی به شمار می‌رود. این روش می‌تواند برای فیشینگ، نصب بدافزار یا نمایش تبلیغات ناخواسته به کار رود. وایبو در پرونده مربوط به دامنه espnnews.com تایپواسکوآتینگ را به عنوان ثبت عمدی دامنه با انحراف جزئی از علامت تجاری معروف تعریف کرده است.^{۳۸} برای مثال در پرونده *ESPN, Inc. v. XC2* شرکت ESPN علیه ثبت کننده دامنه (espnnews.com) شکایت کرد. این دامنه با اضافه کردن یک حرف به علامت تجاری ESPN، به گونه‌ای طراحی شده بود که کاربران را به اشتباه به سایتی غیرمرتبط هدایت کند. هیئت داور WIPO در تصمیم خود اعلام کرد که این اقدام نمونه‌ای از تایپواسکوآتینگ است و به خودی خود نشان دهنده ثبت دامنه با سوءنیت محسوب می‌شود.^{۳۹}

۲-۳ ربایش دامنه

ربایش دامنه^{۴۰} به معنای تصاحب یا انتقال غیرمجاز مالکیت یک نام دامنه از صاحب قانونی آن است. این پدیده معمولاً از طریق روش‌های فنی یا حقوقی غیرمشروع مانند دستکاری در اطلاعات ثبت کننده، سوءاستفاده از ضعف‌های امنیتی سامانه ثبت دامنه‌ها، یا ارائه اسناد جعلی به ثبت کنندگان رخ می‌دهد. نتیجه چنین اقدامی، سلب کنترل صاحب اصلی بر دامنه و انتقال آن به شخص یا نهادی دیگر است. تغییر غیرمجاز مالکیت یک دامنه با دسترسی غیرقانونی به حساب‌های کاربری یا سوءاستفاده از ضعف‌های امنیتی در سامانه‌های ثبت دامنه صورت می‌گیرد.^{۴۱}

ربایش دامنه تهدیدی مستقیم برای حقوق مالکیت فکری، اعتماد کاربران و امنیت سایبری محسوب می‌شود، زیرا علاوه بر خسارات مالی و اعتباری برای مالک علامت یا دامنه، می‌تواند بستر ارتکاب جرایمی چون فیشینگ و کلاهبرداری اینترنتی را نیز فراهم سازد.

۲-۴ ربایش معکوس نام دامنه

ربایش معکوس دامنه (RDNH)^{۴۲} به وضعیتی گفته می‌شود که دارنده یک علامت تجاری یا نهادی قدرتمند، با سوءاستفاده از سازوکارهای حل اختلاف دامنه‌ها مانند سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه، تلاش می‌کند دامنه‌ای را که به طور قانونی و مشروع توسط شخص دیگری ثبت شده است، تصاحب کند. به بیان دیگر، در ربایش معکوس طرف شاکی (که معمولاً یک شرکت یا صاحب علامت تجاری بزرگ است) شکایتی را علیه مالک فعلی دامنه مطرح می‌کند، با این ادعا که ثبت دامنه

37 Weinberg, ICANN and the problem of legitimacy, 208

38...that the practice of typosquatting, of itself, is evidence of the bad faith registration of a domain name.

39 WIPO, WIPO Arbitration and Mediation Center

40 Domain Name Hijacking

41 Lemley & Levine, Domain name regulation: The case for rethinking ICANN, 381

42 Reverse Domain Name Hijacking- RDNH

ناقض حقوق علامت تجاری اوست، در حالی که دامنه مورد نظر پیش از ثبت علامت تجاری شاکی وجود داشته، یا مالک فعلی هیچ سوءنیتی در ثبت دامنه نداشته است. چنین اقدامی که اغلب با هدف «زورگویی» برای تصاحب دامنه انجام می‌گیرد، در حقوق مالکیت فکری به عنوان سوءاستفاده از سازوکار اداری حل اختلاف تلقی می‌شود و توسط داوران در قالب RDNH تصریح می‌شود.^{۴۳}

برای مثال پرونده David Robinson v. Brendan در سال ۲۰۰۸ میلادی مربوط به اختلافی است که در آن شاکی (David Robinson) مدعی شد مالک دامنه (Brendan) به صورت غیرمنصفانه‌ای دامنه‌ای را ثبت کرده است که با علامت تجاری او شباهت دارد. پس از بررسی‌های سازمان جهانی مالکیت فکری، مشخص شد که شاکی نتوانسته است اثبات کند مالک دامنه دارای قصد سوءاستفاده بوده یا حقوق علامت تجاری او را نقض کرده است. در نتیجه، شاکی به دلیل تقدیم شکایتی سوءنیت‌آمیز و فاقد پشتوانه‌ی حقوقی معتبر، به ربایش معکوس دامنه محکوم شد.^{۴۴}

۳ نظام حل و فصل اختلافات وایپو و سیاست سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه

مرکز داوری و میانجی‌گری سازمان جهانی مالکیت فکری در سال ۱۹۹۴ میلادی در ژنو تأسیس شد و از سال ۲۰۱۰ میلادی دفتری در سنگاپور دارد. این مرکز به عنوان نهادی بین‌المللی و غیرانتفاعی، راه‌حل‌های جایگزین حل اختلاف مانند داوری، میانجی‌گری و تعیین خیره را برای اختلافات تجاری بین‌المللی، به‌ویژه در حوزه مالکیت فکری و فناوری، ارائه می‌دهد. وایپو پیشرو در حل و فصل اختلافات نام دامنه تحت «سیاست یکسان حل اختلافات دامنه‌ها» است و تا سال ۲۰۲۳ بیش از ۶۸۰۰۰ پرونده شامل ۱۲۴۰۰۰ دامنه را مدیریت کرده است. این خدمات به دلیل سرعت، هزینه کمتر و انعطاف‌پذیری در مقایسه با دادگاه‌ها، مورد توجه قرار گرفته‌اند.^{۴۵} لذا امروزه مرکز داوری، وایپو به عنوان مرجع پیشرو جهانی در حل اختلافات نام‌های اینترنتی شناخته می‌شود. این مرکز با ارائه خدمات تخصصی و استفاده از سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه، نقش کلیدی در رسیدگی به اختلافات دامنه‌ها ایفا می‌کند.^{۴۶}

برای حل اختلافات مالکیت فکری، روش‌هایی مانند داوری، میانجی‌گری و سازش کاربرد دارند. در این بین، در اختلافات مربوط به نام‌های دامنه، داوری متداول‌ترین روش است. مهم‌ترین شیوه بین‌المللی در این حوزه، سیاست یکنواخت حل اختلاف دامنه است که توسط وایپو اجرا می‌شود و راهکاری کارآمد برای رسیدگی به این دعاوی ارائه می‌دهد.^{۴۷} سیاست حل اختلاف دامنه روشی الزامی برای دارندگان دامنه‌های ثبت‌شده نزد آیکان است. در این فرآیند، شاکی باید ادعای خود را مستند کند و خواننده موظف است ظرف مهلت مقرر پاسخ دهد. این روش کارآمد، با بررسی سه معیار اصلی شامل «شباهت علامت تجاری»، «فقدان حق قانونی» و «سوءنیت»^{۴۸}، به اختلافات دامنه رسیدگی می‌کند. تصمیمات سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه توسط ثبت‌کنندگان دامنه اجرا می‌شود.

43 Schultz & Hofflander, Reverse Domain Name Hijacking and the Uniform Domain Name Dispute Resolution Policy, 8

44 WIPO, WIPO Arbitration and Mediation Center

45 WIPO, WIPO Arbitration and Mediation Center

۴۶. میرحسینی، مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی، ۳۱۶

۴۷. رئیس، نظام حل و فصل اختلافات حقوق مالکیت معنوی، ۲۲۰-۲۲۲

48 (i) the domain name registered by the domain name registrant is identical or confusingly similar to a trademark or service mark in which the complainant (the person or entity bringing the complaint) has rights;

(ii) the domain name registrant has no rights or legitimate interests in respect of the domain name in question; and

(iii) the domain name has been registered and is being used in bad faith

حل اختلافات اسامی دامنه در این شیوه از طریق داوری تحت مقررات سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه انجام می‌شود. دارندگان دامنه‌های ثبت‌شده موظف‌اند دعاوی علیه نام دامنه خود را از این طریق حل کنند. در این شیوه شاکی ابتدا باید اقدامات حقوقی خود را ارائه دهد و خواننده نیز باید به‌موقع پاسخ دهد تا فرآیند داوری آغاز شود.^{۴۹} این شرایط در بند ۴(الف) این سند ذکر شده و شاکی باید مدارک کافی، مانند ثبت علامت تجاری یا شواهد سوءنیت، ارائه دهد.^{۵۰} سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه مزایای متعددی دارد که موجب استقبال گسترده از آن در سطح بین‌المللی شده است:

(الف) الزام‌آور بودن تصمیمات: آراء صادره از سوی نهادهای داوری مانند وایبو به‌طور مستقیم قابلیت اجرا دارند و نیازی به تأیید دادگاه‌های ملی نیست؛ همین ویژگی موجب قطعیت و سرعت اجرای تصمیمات می‌شود.^{۵۱}

(ب) سرعت در رسیدگی: فرآیند این سیاست دارای مهلت‌های زمانی مشخص است (معمولاً ۴۵ تا ۶۰ روز) که در مقایسه با دعاوی قضایی ملی بسیار کوتاه است. این موضوع به صاحبان علائم تجاری امکان می‌دهد تا در سریع‌ترین زمان ممکن از حقوق خود حمایت کنند.^{۵۲}

(پ) هزینه پایین‌تر نسبت به دعاوی ملی: گرچه ثبت شکایت هزینه دارد، اما هزینه‌ها نسبت به یک دعوی قضایی در کشورهای مختلف بسیار کمتر است. این امر به‌ویژه برای اختلافات فراملی ارزشمند است.^{۵۳}

(ج) کارآمدی در حل اختلافات فراملی: به‌عنوان یک سازوکار جهانی، امکان رسیدگی به اختلافاتی را فراهم می‌آورد که جنبه فرامرزی دارند و در غیر این صورت مستلزم طرح دعوی در چندین حوزه قضایی مختلف بودند. با وجود مزایا، این سند با محدودیت‌ها و معایبی نیز مواجه است:

(الف) دشواری اثبات سوءنیت^{۵۴}: بار اثبات سوءنیت در ثبت دامنه بر عهده شاکی است. این امر به‌ویژه در مواردی که ثبت دامنه پیش از شهرت علامت تجاری صورت گرفته باشد، می‌تواند بسیار دشوار باشد.^{۵۵}

(ب) هزینه‌های عملی و حقوقی برای صاحبان علائم تجاری: هرچند فرآیند این سیاست در مقایسه با دادگاه‌ها ارزان‌تر است، اما هزینه‌های آماده‌سازی اسناد و دفاعیات، به‌ویژه در موارد پیچیده، می‌تواند برای بسیاری از شرکت‌های کوچک یا اشخاص حقیقی سنگین باشد.^{۵۶}

(پ) محدودیت‌های دفاعی به دلیل غیرحضور بودن رسیدگی: فرآیند رسیدگی در سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه به‌طور کامل کتبی و غیرحضور است. بنابراین، طرفین امکان ارائه دفاعیات شفاهی، استماع شهود یا بررسی متقابل را ندارند؛ امری که ممکن است حق دفاع کامل را محدود کند.^{۵۷}

(ج) عدم پیش‌بینی جبران خسارت مالی^{۵۸}: این سیاست محدود به انتقال یا لغو دامنه است و شامل جبران مالی یا خسارت نمی‌شود. این محدودیت می‌تواند برای برخی شاکیان ناکافی باشد.^{۵۹}

۴۹. حبیبی و فامیلی، نظام حقوقی حاکم بر نام دامنه در حل و فصل اختلافات (با تأملی بر ماده ۶۶ قانون تجارت الکترونیک)، ۱۰۲

50 WIPO, WIPO Arbitration and Mediation Center: UDRP Process

51 Froomkin, ICANN's "Uniform Dispute Resolution Policy", 658

52 WIPO, WIPO Overview of WIPO Panel Views on Selected UDRP Questions, 2021

53 Geist, Fair.com?: An Examination of Allegations of Systemic Unfairness in the ICANN UDRP, 923

54 Bad Faith

55 Schultz, Reverse Domain Name Hijacking and the Uniform Domain Name, 22

56 Geist, Fair.com?: An Examination of Allegations of Systemic Unfairness in the ICANN UDRP, 924

57 Froomkin, ICANN's "Uniform Dispute Resolution Policy", 708

58 Remedies

59 Geist, Fair.com?: An Examination of Allegations of Systemic Unfairness in the ICANN UDRP, 925

این چالش‌ها ممکن است دسترسی به عدالت را برای برخی طرفین محدود کند^{۶۰} با توجه به مزایا و چالش‌های سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه، بررسی نمونه‌های عملی می‌تواند ابعاد کاربردی و نقاط قوت و ضعف این سازوکار را روشن‌تر سازد. در ادامه، دو پرونده مهم یعنی *Telstra Corporation Limited v. Nuclear Marshmallows* و *ESPN, Inc. v. XC2* مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

۱-۳ پرونده اول: *Telstra Corporation Limited v. Nuclear Marshmallows* در سال ۲۰۰۰ میلادی مصداقی از سایر اسکوآتینگ

۱-۱-۳ شرح پرونده

پرونده^{۶۱} *Telstra Corporation Limited* علیه *Nuclear Marshmallows* با شماره D2000-0003 یکی از اولین و تأثیرگذارترین تصمیمات مرکز داوری و میانجی‌گری سازمان جهانی مالکیت فکری تحت سیاست یکسان حل اختلافات دامنه‌ها است که در سال ۲۰۰۰ صادر شد. این پرونده به دلیل تبیین مفهوم «استفاده با سوءنیت» در شرایط عدم استفاده فعال از دامنه، به‌عنوان یک مرجع کلیدی در روبه قضایی سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه شناخته می‌شود. خواهان پرونده، شرکت *Telstra Corporation Limited*، بزرگ‌ترین شرکت مخابراتی استرالیا با شهرت جهانی در حوزه خدمات مخابراتی و اطلاعاتی بود که مالک علامت تجاری ثبت‌شده «TELSTRA» در استرالیا و دیگر کشورها محسوب می‌شد. این علامت برای طیف گسترده‌ای از خدمات، از جمله مخابرات، فناوری اطلاعات و خدمات اینترنتی، به کار می‌رفت. خواننده، *Nuclear Marshmallows*، یک نهاد یا فرد ناشناخته با آدرس ثبت‌شده در بریزبن، استرالیا بود که دامنه *telstra.org* را در سال ۱۹۹۹ ثبت کرده بود. خواهان ادعا کرد که نام دامنه *telstra.org* با علامت تجاری «TELSTRA» یکسان است و این شباهت می‌تواند باعث گمراهی مصرف‌کنندگان شود. *Telstra* استدلال کرد که علامت تجاری‌اش به دلیل استفاده گسترده و طولانی مدت، به‌ویژه در استرالیا، شهرت قابل توجهی دارد و افزودن پسوند *.org* به دامنه، تفاوتی در این شباهت ایجاد نمی‌کند. همچنین، خواهان اظهار داشت که خواننده هیچ حق یا منفعت قانونی نسبت به دامنه ندارد، زیرا هیچ شواهدی از استفاده واقعی یا برنامه‌ریزی برای استفاده مشروع از دامنه ارائه نشده است. *Telstra* مدعی بود که خواننده از شهرت علامت تجاری‌اش آگاه بود و دامنه را برای جلوگیری از استفاده خواهان یا بهره‌برداری تجاری از آن ثبت کرده است.

در مورد سوءنیت، خواهان استدلال کرد که ثبت دامنه با آگاهی از شهرت علامت تجاری *Telstra* و عدم استفاده فعال از آن، خود نشانه‌ای از سوءنیت است. شاکی به این نکته اشاره کرد که خواننده هیچ وبسایتی برای دامنه راه‌اندازی نکرده و صرفاً آن را نگه داشته است، که این امر می‌تواند به‌عنوان «نگهداری غیرفعال» تلقی شود. *Telstra* همچنین ادعا کرد که خواننده با ثبت دامنه‌ای مشابه علامت تجاری معروف، قصد داشته است مانع از استفاده شاکی از دامنه‌ای متناسب با علامت تجاری‌اش شود یا آن را به خواهان یا شخص ثالثی بفروشد.

خواننده هیچ پاسخی به شکایت ارائه نکرد و در نتیجه، این عدم پاسخ، هیئت داوری را مجاب کرد تا بر اساس مدارک ارائه‌شده توسط خواهان و بدون در نظر گرفتن دفاعیات خواننده، تصمیم‌گیری کند. با این حال، هیئت داوری تأکید کرد

۶۰. رئیس، لیلا. نظام حل‌وفصل اختلافات حقوق مالکیت معنوی: ۲۳۰-۲۳۳

61 WIPO Arbitration and Mediation Center. (2000). *Telstra Corporation Limited v. Nuclear Marshmallows*, WIPO Case No. D2000-0003. Retrieved from <https://www.wipo.int/amc/en/domains/decisions/html/2000/d2000-0003.html>

که خواهان همچنان باید هر سه معیار سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه یعنی یکسان یا گمراه‌کننده بودن دامنه با علامت تجاری، فقدان حق یا منفعت قانونی خواننده و ثبت و استفاده دامنه با سوءنیت را اثبات کند. هیئت داور، ابتدا تأیید کرد که نام دامنه <telstra.org> با علامت تجاری «TELSTRA» یکسان است، زیرا پسوند .org تأثیری بر شباهت ندارد. در مورد معیار دوم، هیئت دریافت که خواننده هیچ شواهدی مبنی بر استفاده مشروع یا برنامه‌ریزی برای استفاده از دامنه ارائه نکرده است. عدم پاسخ خواننده و نبود هرگونه فعالیت مرتبط با دامنه، فقدان حق یا منفعت قانونی را تأیید کرد.

بحث اصلی پرونده بر معیار سوم، یعنی ثبت و استفاده با سوءنیت، متمرکز بود. هیئت داور با استناد به بند ۴ (b) سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه که نمونه‌هایی از سوءنیت را فهرست می‌کند، این نکته را بررسی کرد که آیا «نگهداری غیرفعال» دامنه می‌تواند مصداق استفاده با سوءنیت باشد. هیئت داور در این پرونده با تفسیر موسع از مقررات سیاست یکنواخت حل اختلاف نام‌های دامنه، تصریح نمود که مفهوم «استفاده با سوءنیت» لزوماً به اقدامات مثبت و فعالانه همچون راه‌اندازی وبسایت یا بهره‌برداری تجاری مستقیم از دامنه محدود نمی‌شود. بلکه در شرایط خاص، حتی عدم استفاده فعال از دامنه (Passive Holding) نیز می‌تواند به‌عنوان دلیلی بر وجود سوءنیت تلقی گردد. به بیان دیگر، هیئت داور استدلال کرد که احراز شرط استفاده با سوءنیت مستلزم وقوع یک فعل مثبت نیست، بلکه در مواردی، فعل منفی یا ترک فعل نیز می‌تواند مصداق «استفاده با سوءنیت» باشد. در این پرونده، «نگهداری غیرفعال» دامنه بدون هرگونه کارکرد مشروع، با توجه به شهرت بالای علامت تجاری شاکی و فقدان هرگونه توجیه معقول از سوی خواننده، به‌عنوان نمونه‌ای بارز از استفاده با سوءنیت شناخته شد. این تفسیر رویه‌ای، نقطه عطفی در حقوق دامنه‌ها به شمار می‌رود، زیرا نشان داد که سوءنیت نه تنها در اعمال مثبت بلکه در رفتارهای منفعلانه و قصدهای پنهان نیز قابل استناد و اثبات است و از آن تاریخ این تفسیر به‌عنوان یک رویه مورد توجه قرار گرفت. در این پرونده، شهرت گسترده علامت تجاری Telstra، فقدان هرگونه ارتباط خواننده با نام «Telstra» و عدم ارائه توضیح برای ثبت دامنه، شواهد سوءنیت بودند. هیئت به‌ویژه به این نکته توجه کرد که نام «Telstra» یک واژه ابداعی و منحصر به فرد است و بعید است بدون آگاهی از علامت تجاری شاکی آن را انتخاب کرده باشد.

هیئت داور همچنین به بند ۴ (b)(ii) سیاست UDRP اشاره کرد، که ثبت دامنه برای جلوگیری از استفاده صاحب علامت تجاری از آن را مصداق سوءنیت می‌داند. هیئت داور دریافت که نگهداری غیرفعال دامنه توسط خواننده، با توجه به شهرت علامت تجاری Telstra و نبود هرگونه استفاده مشروع، مانع از توانایی شاکی برای استفاده از دامنه‌ای متناسب با علامت تجاری‌اش شده است. علاوه بر این، عدم پاسخ خواننده به ادعاهای شاکی، امکان استنباط منفی علیه او را تقویت کرد.

در نهایت، هیئت داور رأی به انتقال دامنه telstra در نام دامنه .org. به خواهان داد. این تصمیم به دلیل تبیین مفهوم «نگهداری غیرفعال» به‌عنوان استفاده با سوءنیت، اهمیت زیادی در رویه سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه پیدا کرد. پرونده Telstra نشان داد که حتی در غیاب استفاده فعال از دامنه، شرایطی مانند شهرت علامت تجاری، عدم ارتباط خواننده با نام دامنه و فقدان هرگونه توجیه مشروع، می‌تواند سوءنیت را اثبات کند. این تصمیم به‌عنوان مبنایی برای پرونده‌های بعدی، از جمله مواردی که در آن‌ها پاسخ‌دهندگان دامنه‌ها را بدون استفاده فعال نگه داشته بودند، مورد استناد قرار گرفت.

۳-۱-۲ مبانی و استدلالات موجود در رأی

هیئت داورى در پرونده *Telstra Corporation Limited v. Nuclear Marshmallows* تصمیم خود را بر اساس سه معیار اصلی «سیاست یکسان حل اختلافات دامنه‌ها» صادر کرد که شاکی (Telstra) موظف به اثبات آن‌ها بود: (۱) یکسان یا گمراه‌کننده بودن دامنه با علامت تجاری (۲) فقدان حق یا منفعت قانونی خواننده نسبت به دامنه و (۳) ثبت و استفاده از دامنه با سوءنیت. هر یک از این شرایط در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. شباهت گمراه‌کننده دامنه با علامت تجاری

هیئت داورى در رسیدگی به دعوی مطروحه تأیید نمود که نام دامنه **telstra.org** از حیث نوشتاری با علامت تجاری ثبت شده «**TELSTRA**» متعلق به شاکی کاملاً مشابه است. تفاوت موجود صرفاً در افزودن پسوند «**.org**» بود؛ اما مطابق رویه مستقر در «سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه»، پسوندهای دامنه به دلیل ماهیت صرفاً فنی و فقدان کارکرد تمایزدهنده، در ارزیابی شباهت مورد لحاظ قرار نمی‌گیرند. بر همین اساس، هیئت داورى با استناد به شهرت گسترده و اعتبار تثبیت‌شده علامت تجاری «**TELSTRA**» در استرالیا و دیگر کشورها به‌ویژه در حوزه مخابرات و فناوری اطلاعات به این نتیجه رسید که شباهت موجود میان دامنه و علامت تجاری می‌تواند موجبات گمراهی و ایجاد تصور نادرست نزد مصرف‌کنندگان را فراهم آورد. این استدلال با تأکید بر ماهیت ابتکاری و منحصربه‌فرد واژه «**Telstra**» تقویت گردید، زیرا انتخاب چنین نامی توسط خواننده، بدون ارتباط با علامت تجاری شاکی، فاقد هرگونه احتمال منطقی و صرفاً تصادفی تشخیص داده شد.

۲. فقدان حق یا منفعت قانونی خواننده

هیئت داورى در بررسی پرونده دریافت که خواننده (Nuclear Marshmallows) هیچ‌گونه حق یا منفعت قانونی نسبت به نام دامنه <telstra> نداشته است. خواننده نه تنها دلیلی بر استفاده مشروع از این نام دامنه ارائه نکرده است، بلکه هیچ‌گونه فعالیت تجاری یا غیرتجاری مرتبط با واژه «**Telstra**» نیز از سوی وی احراز نگردید. عدم وجود وبسایت فعال، فقدان هرگونه برنامه مشخص برای بهره‌برداری از دامنه و نیز امتناع خواننده از پاسخ‌گویی به شکایت، همگی مؤید فقدان مشروعیت در نگهداری این دامنه بودند. هیئت داورى تأکید نمود که واژه «**Telstra**» فاقد هرگونه پیوند یا ارتباط با هویت شخصی و فعالیت‌های تجاری خواننده است و انتخاب آن بدون هیچ توجیه منطقی صورت گرفته است. این نتیجه‌گیری با بند ۴ (c) سیاست UDRP که معیارهای احراز «استفاده مشروع یا منصفانه از دامنه» را برمی‌شمارد هم‌راستا بوده و نشان می‌دهد که خواننده در هیچ‌یک از مصادیق سه‌گانه مقرر در این بند (از جمله استفاده پیشین و مشروع، شهرت مستقل، یا بهره‌برداری منصفانه بدون قصد سوءاستفاده تجاری) نمی‌گنجد. از این رو، هیئت داورى به صراحت اعلام نمود که خواننده هیچ حقی نسبت به دامنه مورد نزاع ندارد و استمرار مالکیت وی ناقض قواعد سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه است.

۳. ثبت و استفاده از دامنه با سوءنیت

بحث اصلی رأی بر معیار سوءنیت متمرکز بود، به‌ویژه با توجه به عدم استفاده فعال از دامنه، هیئت داورى استدلال کرد که سوءنیت در سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه محدود به اقدامات مثبت (مانند

راه اندازی وبسایت) نیست و در شرایط خاص، «نگهداری غیرفعال» نیز می‌تواند مصداق استفاده با سوءنیت باشد. برای اثبات این موضوع، هیئت داورى به چند عامل کلیدی توجه کرد:

- شهرت علامت تجاری Telstra: علامت «TELSTRA» به دلیل استفاده گسترده و طولانی مدت، به ویژه در استرالیا، شهرت قابل توجهی داشت. این شهرت، احتمال آگاهی خواننده از علامت تجاری در زمان ثبت دامنه را تقویت کرد.
- ماهیت ابداعی نام Telstra: نام «Telstra» یک واژه ابداعی و غیرتوصیفی است و بعید بود خواننده آن را بدون ارتباط با علامت تجاری شاکی انتخاب کرده باشد.
- عدم توجیه مشروع: خواننده هیچ توضیحی برای ثبت دامنه ارائه نکرد و عدم پاسخ او امکان استنباط منفی را فراهم کرد.

- مانع شدن از استفاده شاکی: هیئت داورى با استناد به بند ۴ سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه، دریافت که ثبت دامنه مانع از توانایی شاکی برای استفاده از دامنه‌ای متناسب با علامت تجاری اش شده است، که خود نشانه‌ای از سوءنیت است.

هیئت داورى با توجه به شواهد ارائه شده توسط شاکی، از جمله شهرت علامت تجاری «TELSTRA»، فقدان هرگونه استفاده مشروع یا توجیه برای ثبت دامنه توسط خواننده و نگهداری غیرفعال دامنه، هر سه معیار سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه را احراز شده دانست. عدم پاسخ خواننده نیز امکان دفاع در برابر ادعاهای شاکی را از او سلب کرد. در نتیجه، هیئت داورى رأی به انتقال دامنه telstra.org به شاکی داد. این تصمیم به دلیل معرفی مفهوم «نگهداری غیرفعال» به عنوان نشانه‌ای از سوءنیت و تأکید بر نقش شهرت علامت تجاری در استنباط سوءنیت، به عنوان یکی از تصمیمات کلیدی در رویه سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه شناخته شد و مبنایی برای پرونده‌های بعدی با شرایط مشابه فراهم کرد.

۳-۱-۳ نقد رأی

رأی صادره در پرونده *Telstra Corporation Limited v. Nuclear Marshmallows* در سال ۲۰۰۰ میلادی نقطه عطفی در رویه حل و فصل اختلافات نام‌های دامنه به شمار می‌آید. این تصمیم مفهوم «استفاده با سوءنیت» را فراتر از اقدامات مثبت و سنتی تفسیر کرده و برای اولین مرتبه دکترین «نگهداری غیرفعال دامنه» را معرفی نمود. به موجب این تفسیر، صرف نگهداری دامنه بدون استفاده فعال نیز می‌تواند در شرایط خاص نشانه سوءنیت تلقی شود.

هیئت داورى با استناد به شهرت گسترده علامت تجاری «TELSTRA»، ماهیت منحصر به فرد آن، فقدان توجیه منطقی از سوی خواننده و عدم پاسخ‌گویی وی، نتیجه گرفت که حتی در غیاب استفاده ملموس از دامنه، سوءنیت قابل احراز است. این رویکرد نوآورانه تأثیری مهم در توسعه رویه سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه داشته و به داوران اجازه داده است تا در موارد مشابه، به نفع صاحبان علائم تجاری مشهور رأی دهند، حتی اگر دامنه مورد اختلاف به طور فعال مورد استفاده قرار نگرفته باشد.

با این حال، همین نقطه قوت رأی، زمینه‌ساز برخی ابهامات و انتقادات نیز شده است که در ادامه بررسی می‌شوند.

۱. تعریف موسع از «استفاده» در سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه و خطر گسترش بیش از حد گستره سوءنیت:

هیئت داورى در این پرونده، واژه «استفاده» را چنان موسع تفسیر کرده که حتى عدم استفاده (عدم راه اندازى وبسایت) را نیز در شرایطى به عنوان «استفاده با سوءنیت» در نظر گرفته است. این رویکرد هرچند ممکن است در مورد دامنه‌هاى که ثبت آن‌ها همراه با نیت رقابتى یا انحصارطلبانه بوده، موجه به نظر برسد، اما در عمل باعث مى‌شود هر فردى که دامنه‌ای مشابه با علامت تجارى مشهور را بدون استفاده فوری نگهدارى مى‌کند، در معرض خطر از دست دادن آن قرار گیرد. این تفسیر مى‌تواند منجر به کاهش امنیت حقوقى کاربران عادى و صاحبان دامنه‌ها شود.

۲. اتکای بیش از حد به شهرت علامت تجارى شاکی به عنوان مبنای سوءنیت:

در رأی مذکور، یکى از دلایل اصلی استنباط سوءنیت، شهرت علامت تجارى TELSTRA بود. اما این استدلال، بدون وجود شواهد مستقلى از آگاهی واقعى خواننده از این علامت در زمان ثبت دامنه، مى‌تواند به یک اصل پیش فرض خطرناک تبدیل شود؛ به این معنا که اگر علامت تجارى‌ای صرفاً مشهور باشد، هرگونه استفاده از نام مشابه به صورت پیش فرض سوءنیت تلقى مى‌شود، ولو اینکه فرد ثبت کننده ناآگاه از آن بوده باشد. چنین رویه‌ای زمینه تفسیرهای غیرمنصفانه را فراهم مى‌کند.

۳. ابهام در نسبت دادن انگیزه‌های ذهنی به خواننده در غیاب پاسخ:

هیئت داورى، به دلیل عدم ارائه پاسخ از سوى خواننده، عملاً فرض را بر صحت تمامی ادعاهای شاکی گذاشته و حتى انگیزه ذهنی او را در قالب تمایل به فروش دامنه یا جلوگیری از استفاده شاکی استنباط کرده است. این در حالی است که اثبات سوءنیت نیازمند شواهدی فراتر از سکوت است. در نظام‌های حقوقى مختلف، سکوت متهم یا خواننده به تنهایی نباید مبنای قطعی برای احراز سوءنیت و قصد تلقى باشد، مگر آنکه همراه با قرائن و شواهد عینی دیگر باشد همانطور که در قانون مدنى ماده ۶۲۴۸ و ۶۲۴۹ سکوت صرف را به منزله اجازه عقد ندانسته است؛ در ادله اثبات دعوى هم سکوت یا عدم حضور خواننده یا متهم به تنهایی نمی‌تواند دلیلى قطعی برای احراز سوءنیت یا مجرمیت تلقى شود مگر آنکه همراه با آن، قرائن و شواهد عینی دیگر نیز ارائه شود^{۶۴} که در این رأی بدین نکته توجه نشده است.

۴. خطر ایجاد رویکرد مالک محور^{۶۵} در سیاست UDRP:

یکى دیگر از انتقادهای مهم وارد بر رأی Telstra آن است که این تصمیم در عمل موجب تقویت رویکردى در نظام UDRP شد که بیش از حد به نفع صاحبان علائم تجارى عمل مى‌کند. هیئت داورى در این پرونده، شهرت گسترده علامت تجارى «TELSTRA» را یکى از مهم‌ترین مبنای احراز سوءنیت دانست و همین امر سبب شد که در رویه‌های بعدی نیز شهرت علامت تجارى در بسیاری از موارد به عنوان یک اماره قوی و گاه تعیین کننده تلقى گردد. هرچند حمایت از علائم تجارى مشهور در برابر سایبراسکواتینگ امرى ضرورى است، اما توسعه بیش از حد این رویکرد مى‌تواند موجب برهم خوردن تعادل میان حقوق صاحبان علائم تجارى و حقوق مشروع ثبت کنندگان دامنه شود.

۶۲. ماده ۲۴۸: اجازه مالک نسبت به معامله فضولى حاصل میشود به لفظ یا فعلی که دلالت بر امضاء عقد نماید.

۶۳. ماده ۲۴۹: سکوت مالک ولو با حضور در مجلس عقد اجازه محسوب نمی‌شود.

۶۴. باقرپور، سیاوش، بررسی و تبیین حق سکوت متهم در پرتو حقوق موضوعه ایران، فقه اسلامى و اسناد بین‌المللى: ۱۳

این نقد در ادبیات حقوقی نیز بازتاب یافته است. پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه حل اختلافات نام دامنه نشان می‌دهد که نظام UDRP به طور ساختاری به نفع دارندگان علائم تجاری طراحی شده و این ویژگی، یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف آن به شمار می‌رود. به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران، این سوگیری ذاتی نه تنها تعادل میان حقوق شاکی و خوانده را بر هم می‌زند، بلکه بستر مناسبی برای پدیده «ربایش معکوس نام دامنه» فراهم می‌آورد. در چنین شرایطی، دارندگان قدرتمند علائم تجاری با تکیه بر هزینه پایین و سرعت بالای رسیدگی در فرآیند UDRP، می‌توانند علیه ثبت‌کنندگان قانونی دامنه اقدام دعوا کرده و آنان را تحت فشار قرار دهند تا دامنه‌های مشروع خود را واگذار کنند. این رفتار که نوعی زورگویی قانونی تلقی می‌شود، عملاً ثبت‌کنندگان ضعیف‌تر را در موقعیتی نابرابر قرار می‌دهد و روح عدالت و انصاف را که از اهداف اولیه ایجاد UDRP بوده است، با چالش مواجه می‌سازد.⁶⁶

۵. خطر گسترش پدیده «ربایش معکوس نام دامنه»:

همان‌گونه که در نقد چهارم به سوگیری ذاتی UDRP به نفع مالکان علائم تجاری اشاره شد، این سوگیری در کنار توسعه دکتربین نگهداری غیرفعال، خطر خاصی را به نام «ربایش معکوس نام دامنه» تشدید می‌کند. توسعه دکتربین نگهداری غیرفعال این امکان را برای دارندگان علائم تجاری مشهور فراهم می‌کند که حتی در غیاب استفاده فعال از دامنه، علیه ثبت‌کنندگان اقدام دعوا کنند و صرفاً با استناد به شهرت علامت و عدم فعالیت دامنه، انتقال آن را مطالبه نمایند. در چنین شرایطی، ثبت‌کنندگان مشروع دامنه ممکن است در موقعیتی نابرابر قرار گیرند، به‌ویژه اگر توانایی مالی یا حقوقی لازم برای دفاع مؤثر در فرآیند داوری را نداشته باشند.

هرچند نظام UDRP مفهوم ربایش معکوس نام دامنه را به رسمیت شناخته، اما ضمانت اجرای مؤثری علیه شاکیان سوءنیت‌دار پیش‌بینی نکرده و اعلام ربایش معکوس نام دامنه غالباً جنبه نمادین دارد. البته این نگرانی در خود قواعد UDRP نیز بازتاب یافته است. بند ۱۵(هـ) قواعد UDRP مقرر می‌دارد که اگر هیئت داوری تشخیص دهد شکایت با سوءنیت مطرح شده است، برای مثال در تلاش برای ربایش معکوس نام دامنه، هیئت باید در رأی خود اعلام کند که شکایت با سوءنیت مطرح شده و سوءاستفاده از فرآیند اداری محسوب می‌شود. ربایش معکوس نام دامنه در قواعد UDRP چنین تعریف شده است: «استفاده سوءنیت‌آمیز از UDRP به منظور تلاش برای محروم کردن دارنده قانونی نام دامنه از دامنه خود». با این حال، همان‌طور که قواعد به روشنی نشان می‌دهد، تنها درمانی که در اختیار خواننده پیروز دعوا قرار می‌گیرد، صرفاً یک «اعلام» است - نه جبران هزینه‌های حقوقی، نه خسارت و نه هیچ بازدارنده معناداری علیه شاکیان سوءنیت‌دار. هیئت‌های داوری همواره بر این نظر بوده‌اند که «صرف ناموفق بودن شکایت برای احراز ربایش معکوس نام دامنه کافی نیست». به عبارت دیگر، حتی شاکی‌ای که ادعایی ضعیف یا فرصت‌طلبانه مطرح می‌کند، به ندرت با مجازاتی فراتر از یک عبارت نمادین در رأی مواجه خواهد شد. این خلأ ساختاری، ثبت‌کنندگان قانونی نام دامنه را در موقعیتی به‌وضوح نابرابر در برابر مالکان ثروتمند علامت تجاری که به دکتربین نگهداری غیرفعال استناد می‌کنند، قرار می‌دهد.⁶⁷

66 Jaivardhan Singh, "Domain Name Dispute in the Age of Social Media and E-Commerce", Dr. Bhim Rao Ambedkar National Law University, Sonapat (2024), pp. 7-8.

67 WIPO. (2017). WIPO Overview of WIPO Panel Views on Selected UDRP Questions (3rd ed.). WIPO Arbitration and Mediation Center. <https://www.wipo.int/amc/en/docs/overview3.pdf>

۲-۳ پرونده دوم: ESPN, Inc. v. XC2 در سال ۲۰۰۵ میلادی مصدافی از تایپواسکواتینگ

۱-۲-۳ شرح پرونده

پرونده ^{۶۸} ESPN, Inc. علیه XC2 یکی از تصمیمات قابل توجه مرکز داوری و میانجی‌گری سازمان جهانی مالکیت فکری تحت «سیاست یکسان حل اختلافات دامنه‌ها» است که در سال ۲۰۰۵ صادر شد. این پرونده به دلیل بررسی موضوع تایپواسکواتینگ و استفاده از دامنه‌ای مشابه علامت تجاری معروف برای هدایت کاربران به وب سایت‌های رقبا، اهمیت زیادی در رویه سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه دارد. شاکی پرونده، ESPN, Inc. یک شرکت بزرگ رسانه‌ای و سرگرمی ورزشی مستقر در ایالات متحده بود که به دلیل فعالیت‌های گسترده‌اش در حوزه تلویزیون، رادیو، انتشارات و پوشش ورزش‌های مختلف، شهرت جهانی داشت. ESPN مالک علامت تجاری ثبت شده «ESPN» و همچنین علامت تجاری «ESPNNEWS» بود که از سال ۱۹۹۶ برای شبکه‌ای متمرکز بر اخبار ورزشی استفاده می‌شد و به ۴۳ میلیون خانوار در ایالات متحده خدمات ارائه می‌داد. خواننده، XC2، نهادی ثبت شده در هنگ‌کنگ بود که هیچ نماینده قانونی برای دفاع از خود معرفی نکرد.

موضوع اختلاف، دامنه espnnews.com بود که توسط خواننده در تاریخ نامشخصی پیش از ۲۰۰۵ ثبت شده و با Online Services, LLC Moniker به‌عنوان ثبت‌کننده دامنه مرتبط بود. شاکی ادعا کرد که این دامنه به دلیل شباهت گمراه‌کننده با علامت تجاری «ESPNNEWS» و علامت اصلی «ESPN»، نقض حقوق مالکیت فکری وی است. ESPN استدلال کرد که افزودن کلمه «news» به «espn» در دامنه، شباهت گمراه‌کننده‌ای ایجاد می‌کند. خواهان همچنین اظهار داشت که خواننده هیچ حق یا منفعت قانونی نسبت به دامنه ندارد، زیرا از آن برای هدایت کاربران به یک وب‌سایت مرکزی با لینک‌های حمایت‌شده استفاده می‌کند که برخی از آن‌ها به وب‌سایت‌های رقبای ESPN، مانند America Online، The Washington Post و The New York Times، منتهی می‌شوند.

در مورد سوءنیت، ESPN ادعا کرد که خواننده با آگاهی از شهرت علامت تجاری‌اش، دامنه را ثبت کرده و از آن برای کسب سود تجاری از طریق تایپواسکواتینگ استفاده می‌کند. تایپواسکواتینگ به ثبت دامنه‌هایی با اشتباهات املائی جزئی نسبت به علائم تجاری معروف اشاره دارد تا کاربرانی که به اشتباه این دامنه‌ها را وارد می‌کنند، به وب‌سایت‌های دیگر هدایت شوند. در این پرونده، خواهان شواهد متعددی ارائه کرد که نشان می‌داد خواننده به‌صورت مکرر درگیر تایپواسکواتینگ است و دامنه‌های دیگری را نیز با تغییرات جزئی نسبت به علائم تجاری معروف ثبت کرده است. به عنوان مثال، ESPN به پرونده‌های قبلی مانند *Wal-Mart Stores, Inc. v. Lexar Media, Inc. v. Huang* و *Longo* استناد کرد که در آن‌ها تایپواسکواتینگ به‌عنوان مصدق ثبت با سوءنیت شناخته شده بود.

شکایت در ۲۰۰۵ به مرکز داوری واپیو ارائه شد و پس از تأیید ثبت‌کننده دامنه، فرآیند داوری آغاز شد. در ادامه خواننده هیچ پاسخی به شکایت ارائه نکرد و در نتیجه، مرکز داوری واپیو اطلاعیه تخلف صادر کرد. این عدم پاسخ، هیئت داوری را مجاز کرد تا بر اساس مدارک خواهان تصمیم‌گیری کند، مشروط بر اینکه شاکی هر سه معیار سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه یعنی شباهت گمراه‌کننده دامنه با علامت تجاری، فقدان حق یا منفعت قانونی خواننده و ثبت و استفاده دامنه با سوءنیت را اثبات کند.

هیئت داوری، ابتدا تأیید کرد که دامنه espnnews.com با علامت تجاری «ESPNEWS» یکسان است، زیرا تفاوت در افزودن «.com» ناچیز و غیرتمایزدهنده است. در مورد معیار دوم، هیئت داوری دریافت که خواننده هیچ شواهدی مبنی بر استفاده مشروع یا حق قانونی نسبت به دامنه ارائه نکرده است. استفاده خواننده از دامنه برای میزبانی لینک‌های حمایت‌شده که به وبسایت‌های رقبا هدایت می‌شدند، به‌عنوان استفاده غیرمشروع تلقی شد. هیئت به پرونده *MouseSavers, Inc. v. Tsung* استناد کرد که در آن هدایت کاربران به وبسایت‌های تبلیغاتی از طریق تاپیواسکوآتینگ، فقدان منفعت قانونی را تأیید کرده بود.

در مورد معیار سوم، هیئت داوری شواهد تاپیواسکوآتینگ را به‌عنوان نشانه‌ای قوی از ثبت و استفاده با سوءنیت پذیرفت. خواننده با ثبت دامنه‌ای که تنها تفاوتش با علامت تجاری ESPN در جزئیات املائی بود، به وضوح قصد داشت از شهرت علامت تجاری خواهان سوءاستفاده کند. استفاده از دامنه برای هدایت کاربران به وبسایت‌هایی که خدمات مشابه یا رقیب ESPN ارائه می‌دادند، مصداق بند ۴ (b)(iv) سیاست UDRP بود که ایجاد گمراهی برای کسب سود تجاری را نشانه سوءنیت می‌داند. علاوه بر این، سابقه خواننده در تاپیواسکوآتینگ، که در پرونده‌های قبلی نیز تأیید شده بود، استنباط سوءنیت را تقویت کرد. هیئت به پرونده‌هایی مانند *Longs Drug Stores Cal., Inc. v. Shep Dog* اشاره کرد که تاپیواسکوآتینگ را به‌تنهایی نشانه‌ای از سوءنیت می‌دانست.

در نهایت هیئت داوری، رأی به انتقال دامنه espnnews.com به خواهان داد. این تصمیم به دلیل تأکید بر تاپیواسکوآتینگ به‌عنوان مصداق بارز سوءنیت و همچنین استفاده غیرمشروع از دامنه برای هدایت ترافیک به رقبا، اهمیت زیادی در رویه سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه دارد. پرونده ESPN نشان داد که حتی در غیاب پاسخ خواننده، ارائه شواهد قوی توسط خواهان، مانند شهرت علامت تجاری، استفاده غیرمشروع از دامنه و سابقه تاپیواسکوآتینگ خواننده، می‌تواند منجر به موفقیت در دعوا شود. این پرونده همچنین بر نقش حیاتی سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه در محافظت از علائم تجاری در برابر سوءاستفاده‌های آنلاین، به‌ویژه در مواردی که خواننده به‌صورت سیستماتیک از اشتباهات املائی برای کسب سود استفاده می‌کند، تأکید کرد.

۳-۲-۲ مبانی و استدلال‌ات موجود در رأی

هیئت داوری در پرونده *ESPN, Inc. v. XC2* تصمیم خود را بر اساس سه معیار اصلی سیاست یکسان حل اختلافات دامنه‌ها صادر کرد که خواهان (ESPN) موظف به اثبات آن‌ها بود: (۱) شباهت گمراه‌کننده دامنه با علامت تجاری (۲) فقدان حق یا منفعت قانونی خواننده نسبت به دامنه و (۳) ثبت و استفاده از دامنه با سوءنیت.

۱. شباهت گمراه‌کننده دامنه با علامت تجاری

هیئت داوری تأیید کرد که دامنه espnnews.com با علامت تجاری ثبت‌شده «ESPNEWS» متعلق به ESPN یکسان است. تنها تفاوت بین دامنه و علامت تجاری، افزودن پسوند «.com» بود که طبق رویه سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه، به دلیل ماهیت فنی و غیرتمایزدهنده پسوند‌های دامنه، در ارزیابی شباهت نادیده گرفته می‌شود. علاوه بر این، هیئت داوری به شهرت گسترده علامت تجاری «ESPN» و ارتباط نزدیک «ESPNEWS» با آن توجه کرد و نتیجه گرفت که دامنه به دلیل شباهت کامل، می‌تواند باعث گمراهی کاربران شود. این استدلال با استناد به پرونده‌های مشابه تأیید شد که در آن‌ها شباهت ظاهری و مفهومی دامنه با علامت تجاری، معیار اول سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه را برآورده می‌کرد.

۲. فقدان حق یا منفعت قانونی خواننده

هیئت داورى دریافت که خواننده (XC2) هیچ حق یا منفعت قانونی نسبت به دامنه espnnews.com ندارد. چرا که خواننده هیچ شواهدی مبنی بر استفاده مشروع از دامنه، مانند فعالیت تجاری قانونی یا ارتباط با علامت «ESPNEWS»، ارائه نکرد. در عوض، دامنه برای میزبانی یک وبسایت مرکزی با لینک‌های حمایت‌شده استفاده می‌شد که کاربران را به وبسایت‌های رقبای ESPN، مانند America Online و The Washington Post، هدایت می‌کرد. هیئت داورى با استناد به پرونده *MouseSavers, Inc. v. Tsung*⁶⁹، این نوع استفاده را غیرمشروع دانست، زیرا هدف آن کسب سود از طریق گمراه کردن کاربران بود. عدم ارائه پاسخ از سوی خواننده نیز این استنباط را تقویت کرد که هیچ مبنای قانونی برای استفاده از دامنه وجود ندارد.

۳. ثبت و استفاده از دامنه با سوءنیت

هیئت داورى در رسیدگی به پرونده، مجموعه‌ای از شواهد را به منظور اثبات سوءنیت خواننده در ثبت و استفاده از نام دامنه احراز نمود. نخستین و مهم‌ترین دلیل، ماهیت تایپواسکواتینگ دامنه مورد اختلاف بود؛ چرا که آدرس مورد استفاده، یعنی espnnews.com، به‌گونه‌ای انتخاب شده بود که عمداً از خطاهای املائی متداول کاربران در هنگام وارد کردن نشانی وبسایت رسمی خواهان بهره‌برداری نماید. این امر نشان می‌داد که خواننده با قصد آگاهانه و به‌منظور انحراف ترافیک اینترنتی از وبسایت اصلی به دامنه خود، اقدام به ثبت آن کرده است. چنین رفتاری بر اساس رویه مستقر در «سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه»، دلیلی قاطع بر احراز سوءنیت در ثبت و استفاده از دامنه تلقی می‌شود. این عمل به‌تنهایی، طبق رویه سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه و پرونده‌هایی مانند *Long's Drug Stores Cal., Inc. v. Shep Dog*⁷⁰، نشانه‌ای قوی از سوءنیت است. دوم، هیئت داورى احراز نمود که استفاده از دامنه برای هدایت کاربران به وبسایت‌های رقیب، مشمول بند ۴ (b)(iv) سیاست UDRP است؛ بندی که ایجاد گمراهی عمدی کاربران به‌منظور کسب منفعت تجاری را از مصادیق روشن سوءنیت قلمداد می‌کند. سوم، سابقه خواننده در تایپواسکواتینگ، که در پرونده‌های قبلی مانند *Lexar Media, Inc. v. Huang*⁷¹ و *Wal-Mart Stores, Inc. v. Longo*⁷² تأیید شده بود، نشان‌دهنده الگوی رفتاری برای سوءاستفاده از علائم تجاری معروف بود. این شواهد، در کنار شهرت جهانی علامت تجاری ESPN، استنباط سوءنیت را قطعی کرد.

هیئت داورى با توجه به شواهد ارائه‌شده توسط شاکی، از جمله شهرت علامت تجاری «ESPN» و «ESPNEWS»، استفاده غیرمشروع خواننده از دامنه برای هدایت ترافیک به رقبای سابقه تایپواسکواتینگ خواننده، هر سه معیار سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه را احراز کرد. عدم پاسخ خواننده نیز امکان دفاع در برابر ادعاهای خواهان را از او سلب کرد. در نتیجه، هیئت داورى رأی به انتقال دامنه espnnews.com به ESPN داد. این تصمیم بر اهمیت حفاظت از علائم تجاری در برابر سوءاستفاده‌های

69 <https://www.wipo.int/amc/en/domains/decisions/html/2004/d2004-1034.html>

70 <https://www.wipo.int/amc/en/domains/decisions/html/2004/d2004-1069.html>

71 <https://www.wipo.int/amc/en/domains/decisions/html/2004/d2004-1039.html>

72 <https://www.udrpsearch.com/wipo/d2004-0816>

آنلاین، به‌ویژه تایپواسکواتینگ، تأکید کرد و نشان داد که ارائه شواهد قوی توسط شاکی می‌تواند حتی در غیاب پاسخ خوانده، به موفقیت در دعوا منجر شود.

۳-۲-۳ نقد رأی

رأی صادره در پرونده ESPN, Inc. v. XC2 یکی از نمونه‌های بارز تصمیمات مبتنی بر اصول سیاست یکسان حل اختلافات دامنه‌ها است که به‌ویژه در موضوع تایپواسکواتینگ نقش مهمی ایفا کرده است. این رأی از حیث بررسی نحوه سوءاستفاده از شهرت علائم تجاری در بستر اینترنت و هدایت آگاهانه کاربران به سایت‌های رقیب، نقطه عطفی در توسعه رویه وایپو محسوب می‌شود.

در این پرونده، شاکی با اثبات شهرت وسیع علامت تجاری خود در سطح بین‌المللی و ارائه مستندات دال بر استفاده خوانده از دامنه برای میزبانی لینک‌های تجاری و تبلیغاتی، توانست سه شرط اساسی سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه را نشان دهد. هیئت داوری با تأکید بر شباهت گمراه‌کننده دامنه با علامت تجاری «ESPNEWS»، فقدان حق یا منفعت مشروع خوانده و نیز سوءنیت در ثبت و استفاده از دامنه، به نفع شاکی رأی صادر کرد.

در بخش مربوط به سوءنیت، استناد هیئت به بند ۴ (b)(iv) سیاست UDRP که بر بهره‌برداری از شهرت علامت تجاری برای جلب ترافیک اینترنتی جهت کسب منفعت مالی تمرکز دارد، نقش کلیدی ایفا کرد. این بخش از رأی نشان می‌دهد که مفهوم «استفاده» در «سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه» فراتر از معنای محدود راه‌اندازی یک وبسایت فعال تفسیر می‌شود. مطابق رویه مستقر، هرگونه بهره‌برداری غیرمستقیم از دامنه از جمله هدایت کاربران به وبسایت‌های ثالث از طریق لینک‌های پرداخت به ازای هر کلیک^{۷۳} ارجاع به رقبا یا ایجاد ترافیک مصنوعی به منظور کسب منافع اقتصادی می‌تواند در صورت وجود سوءنیت، مصداق «استفاده» تلقی گردد. به بیان دیگر، «استفاده» در چارچوب سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه مفهومی موسع دارد که نه تنها بهره‌برداری فعال از دامنه بلکه رفتارهای منفعلانه و غیرمستقیم را نیز شامل می‌شود. این تفسیر مطابق با آنچه در بند ۳/۱ و ۳/۵ گزارش WIPO Overview 3.0 آمده است، بر این اصل تأکید دارد که ارزیابی سوءنیت باید با توجه به تمامی اوضاع و احوال و شیوه‌های مختلف بهره‌برداری از دامنه صورت گیرد.^{۷۴}

هیئت داوری همچنین با توجه به سابقه خوانده در موارد مشابه تایپواسکواتینگ، بر وجود الگوی رفتاری مبتنی بر سوءنیت تأکید کرد. این سابقه به‌عنوان مؤلفه‌ای کمکی، داوری را در استنباط نهایی یاری رساند. رأی مورد بحث از این نظر نیز واجد اهمیت است که بار دیگر بر جایگاه رویه‌ساز سیاست یکنواخت حل اختلافات نام‌های دامنه در مواجهه با تحولات فضای دیجیتال و چالش‌های حقوق مالکیت فکری تأکید می‌ورزد. با این حال، برخی از مبانی این رأی و نحوه استدلال هیئت داوری، محل تأمل و نقد است که در ادامه به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. تحلیل سطحی از شباهت گمراه‌کننده میان دامنه و علامت تجاری

یکی از محورهای اصلی رأی، شباهت میان دامنه espnnews.com و علامت تجاری ثبت‌شده «ESPNEWS» بود. هیئت داوری بدون ورود به بررسی‌های دقیق از منظر کاربر نهایی، به‌سادگی این دو را مشابه دانست. در حالی که از منظر زبان‌شناسی و برداشت مصرف‌کننده، دامنه مورد بحث از دو واژه مستقل «espn» و «news» تشکیل شده، در حالی که علامت «ESPNEWS» یک کلمه ترکیبی و خاص است.

73 Pay-Per-Click links

74 WIPO, WIPO Overview of WIPO Panel Views on Selected UDRP Questionst, 2021

افزون بر این، در فضای رسانه‌ای، کاربران عموماً با تفاوت‌های جزئی میان برندها آشنا هستند و ممکن است متوجه تمایز بین «espnnews» و سایر ترکیبات مشابه شوند. فقدان تحلیل‌های روان‌شناختی یا شواهد بازار مبنی بر گمراهی واقعی یا احتمالی کاربران، موجب شده است که تصمیم هیئت در این بخش فاقد عمق کافی باشد.

۲. اتکای بیش از حد به عدم پاسخ خواننده

هیئت داوری در این پرونده، به‌طور کامل بر عدم پاسخ‌گویی خواننده تکیه کرده و عملاً ادعاهای خواننده را به‌عنوان واقعیت مسلم پذیرفته است. در حالی که مطابق اصول رسیدگی منصفانه، حتی در صورت غیبت یک طرف دعوا، هیئت موظف است خود به بررسی مستقل مدارک و استدلال‌های موجود بپردازد و امکان وجود دلایل موجه یا قابل دفاع را لحاظ کند. این نوع برخورد، نوعی «پیش‌داوری ساختاری» ایجاد می‌کند و می‌تواند استقلال داوری را زیر سؤال ببرد.

۳. عدم توجه به امکان استفاده مشروع از واژگان عمومی

واژه «news» در دامنه مورد نزاع، یک واژه عمومی و توصیفی در حوزه اطلاع‌رسانی است. این واژه می‌تواند در کنار واژه‌های دیگر، به‌شکل مشروع توسط افراد و نهادهای مستقل مورد استفاده قرار گیرد، بدون اینکه الزاماً به نقض علائم تجاری منجر شود. هیئت داوری هیچ‌گونه بررسی درباره احتمال مشروع بودن استفاده ترکیبی از «espn» به‌عنوان سرواژه‌ای متداول یا تصادفی و «news» به‌عنوان محتوای وبسایت انجام نداد. در نتیجه، با فرض کلی سوءنیت و بدون تحلیل جایگاه دامنه در بازار واقعی محتوا یا رسانه، رأی صادر شد که می‌تواند معیارهای تمایز علائم توصیفی و فانتزی را تضعیف کند.

۴. فقدان بررسی فنی درباره کنترل واقعی خواننده بر لینک‌های تبلیغاتی

هیئت داوری در بخش اثبات سوءنیت، به این استدلال تکیه کرد که دامنه مورد اختلاف برای هدایت کاربران به وبسایت‌هایی با لینک‌های حمایت‌شده به کار رفته است و برخی از این لینک‌ها به رقبای ESPN منتهی می‌شد. بر اساس این مشاهده، هیئت داوری نتیجه گرفت که خواننده با سوءنیت، دامنه را ثبت کرده و از ترافیک ناشی از شباهت علامت تجاری سود می‌برد. با این حال، هیئت داوری هیچ‌گونه بررسی فنی یا شواهد مستقلی برای تعیین میزان کنترل واقعی خواننده بر محتوای نمایش داده‌شده در وبسایت ارائه نکرد. در بسیاری از موارد، این لینک‌های تبلیغاتی به‌طور اتوماتیک تولید می‌شوند و صاحب دامنه هیچ نقشی در انتخاب محتوای تبلیغاتی ندارد. در چنین وضعی، انتساب هدف تجاری خاص یا سوءنیت به صاحب دامنه، بدون بررسی دقیق قرارداد خدمات میزبانی و تنظیمات مربوط به تبلیغات، می‌تواند ناعادلانه و نادقیق باشد.

۵. غلبه رویکرد حمایت‌گرایانه از صاحبان علائم تجاری و تضعیف توازن میان طرفین دعوا

یکی دیگر از نقدهای قابل طرح نسبت به رأی *ESPN, Inc. v. XC2*، غلبه رویکرد حمایت‌گرایانه نسبت به صاحبان علائم تجاری مشهور در نظام UDRP است. هرچند در پرونده حاضر قرائن متعددی دال بر سوءنیت خواننده وجود داشت، اما نحوه استدلال هیئت داوری نشان می‌دهد که شهرت علامت تجاری ESPN نقش تعیین‌کننده‌ای در نتیجه دعوا ایفا کرده است. در واقع، هیئت داوری تا حد زیادی این پیش‌فرض را پذیرفت که هر شخصی که دامنه‌ای مشتمل بر واژه «ESPN» را ثبت کند، لزوماً از شهرت

علامت تجاری خواهان آگاه بوده و قصد بهره‌برداری تجاری از آن را دارد. چنین رویکردی اگرچه در پرونده‌های آشکار تایپوآسکوآتینگ ممکن است قابل دفاع باشد، اما در سطح کلان می‌تواند موجب توسعه بیش از حد حقوق انحصاری صاحبان برندهای مشهور گردد و توازن میان حقوق دارنده علامت تجاری و ثبت‌کنندگان مشروع دامنه را برهم زند.

این رویکرد در عمل می‌تواند به نوعی عدم توازن ساختاری در نظام UDRP منجر شود؛ زیرا در بسیاری از دعاوی، صرف شهرت علامت تجاری و شباهت دامنه، زمینه استنباط سوءنیت را فراهم می‌کند و در نتیجه، بار دفاع عملاً بر دوش ثبت‌کننده دامنه قرار می‌گیرد.^{۷۰} در پرونده حاضر نیز عدم پاسخ خوانده سبب شد که هیئت داور تقریباً تمامی ادعاهای شاکی را بدون بررسی عمیق بپذیرد. تداوم چنین رویه‌ای این خطر را به همراه دارد که نظام حل اختلافات دامنه، به جای ایجاد تعادل میان حقوق طرفین، به ابزاری در جهت تقویت موقعیت برندهای مشهور تبدیل شود؛ امری که می‌تواند امنیت حقوقی ثبت‌کنندگان مشروع دامنه و اصل بی‌طرفی در رسیدگی را با چالش مواجه سازد.

۴ نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی ایران، مقررهای که به‌طور صریح به نام دامنه اشاره کرده، ماده ۶۶ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ است. خارج از این حکم، در سایر قوانین و مقررات مرتبط با حقوق تجارت یا مالکیت فکری، تصریح مستقلی درباره نام‌های دامنه اینترنتی مشاهده نمی‌شود. از این رو، چارچوب قانونی حاکم بر اختلافات مرتبط با دامنه‌ها عمدتاً بر تفسیر این ماده و قواعد عام حمایت از علائم تجاری و رقابت مشروع استوار است.

به موجب ماده ۶۶ قانون تجارت الکترونیک، «به منظور حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و تشویق رقابت‌های مشروع در بستر مبادلات الکترونیکی، استفاده از علائم تجاری به‌صورت نام دامنه (Domain Name) یا هر نوع نمایش برخط (Online) علائم تجاری که موجب فریب یا مشتبه شدن طرف نسبت به اصالت کالا و خدمات شود، ممنوع است و متخلف به مجازات مقرر در این قانون محکوم خواهد شد.» مفاد این ماده نشان می‌دهد که قانون‌گذار ایرانی با رویکردی حمایتی، استفاده گمراه‌کننده از علامت تجاری در قالب نام دامنه را نوعی رفتار متقلبانه در فضای الکترونیکی تلقی کرده و آن را مستوجب ضمانت اجرای کیفری دانسته است.

این ماده با هدف «حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان» و «تشویق رقابت‌های مشروع در بستر مبادلات الکترونیکی» تنظیم شده و از حیث مبنای تقنینی، در تقاطع سه حوزه حقوقی قرار می‌گیرد: حقوق مالکیت فکری، حقوق رقابت و حقوق حمایت از مصرف‌کننده. در این ماده رفتار ممنوعه مرتبط با نام دامنه‌ها استفاده از علامت تجاری به‌صورت نام دامنه یا هر نوع نمایش برخط می‌باشد. قانون‌گذار با به‌کارگیری عبارت موسع «هر نوع نمایش برخط»، دامنه شمول حکم را محدود به ثبت دامنه نکرده، بلکه هرگونه بهره‌برداری اینترنتی از علامت را در بر می‌گیرد. بدین ترتیب، حتی استفاده از علامت در صفحات وب، تبلیغات دیجیتال یا نشانی‌های الکترونیکی نیز در صورت تحقق شرایط مقرر، مشمول حکم خواهد بود. عنصر نتیجه ممنوعیت و جرم موضوع ماده ۶۶ قانون تجارت الکترونیک زمانی محقق می‌شود که استفاده مزبور «موجب فریب یا مشتبه شدن طرف نسبت به اصالت کالا و خدمات» گردد. بنابراین از نظر مقنن، صرف تشابه ظاهری کافی نیست، بلکه باید قابلیت ایجاد اشتباه در ذهن مصرف‌کننده

75 Christie, A. F. (2014). Online Dispute Resolution for Cross-Border IP Disputes: The UDRP in Concept and Practice. In P. Torremans, Research Handbook on Cross-Border Enforcement of Intellectual Property (pp. 24-27). Edward Elgar

متعارف احراز شود. این معیار، با استاندارد «احتمال گمراهی» در حقوق علائم تجاری هم‌راستا است و نشان می‌دهد که مبنای ممنوعیت، حمایت از اعتماد عمومی در بازار الکترونیکی است.^{۷۶}

در پایان مقنن به ضمانت اجرا رفتار موضوع ماده ۶۶ اشاره داشته برای آن مجازات مقرر در قانون تجارت الکترونیکی را پیش‌بینی نموده است. در نتیجه، رویکرد تقنینی ایران در این زمینه، علاوه بر جنبه حمایتی مدنی، واجد بعد کیفری نیز هست؛ امری که بیانگر اهمیت صیانت از سلامت مبادلات الکترونیکی در سیاست تقنینی کشور است.

در خصوص ماده ۶۶ قانون تجارت الکترونیک، ایراداتی از منظر فنی و حقوقی قابل طرح است. نخست آنکه قانون‌گذار در صدر این ماده از «استفاده از علائم تجاری به صورت نام دامنه» سخن گفته است، حال آنکه از دیدگاه فنی در نظام نام‌های دامنه (DNS)، آنچه قابلیت ثبت دارد صرفاً رشته‌ای از حروف، اعداد و برخی نشانه‌های محدود است. در مقابل، «علامت تجاری» در معنای حقوقی خود می‌تواند مشتمل بر عناصر تصویری، ترکیبی یا گرافیکی باشد که لزوماً قابلیت بازنمایی کامل در قالب نام دامنه را ندارند. از این رو، تعبیر به‌کاررفته در ماده ۶۶ از حیث انطباق با واقعیات فنی نظام دامنه‌ها، با نوعی عدم دقت تقنینی مواجه است.^{۷۷}

ممکن است این‌گونه استدلال شود که مقصود مقنن از «علائم تجاری» در این ماده، در عمل «نام تجاری» بوده است؛ لیکن میان این دو مفهوم از حیث ماهیت، کارکرد و نظام حمایتی تفاوت وجود دارد. در نظام حقوقی ایران، حتی در قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳—به‌عنوان جدیدترین اقدام تقنینی در حوزه مالکیت فکری—نظام مستقلی برای ثبت نام تجاری پیش‌بینی نشده و نام تجاری به‌طور مستقل قابل ثبت نیست. در عمل نیز اشخاص حقوقی و فعالان اقتصادی برای حمایت از نام تجاری خود، آن را در قالب علامت تجاری به ثبت می‌رسانند یا ذیل علامت ثبت‌شده مورد استفاده قرار می‌دهند.

بر این اساس، صدر ماده ۶۶ از حیث دقت مفهومی محل تأمل است. یا باید قائل به نوعی تسامح قانون‌گذار و عدم تفکیک دقیق میان «علامت تجاری» و «نام تجاری» شد، یا آنکه با تکیه بر عبارت موسع «هر نوع نمایش برخط»، دامنه شمول حکم را توسعه داده و آن را ناظر به هرگونه استفاده گمراه‌کننده از نشانه‌های تجاری در فضای الکترونیکی دانست. هرچند تفسیر اخیر با هدف حمایتی قانون‌سازگارتر به نظر می‌رسد، اما در عین حال بیانگر کاستی در انسجام مفهومی و دقت تقنینی ماده مزبور است.

انتقاد دیگری که در خصوص ماده ۶۶ قانون تجارت الکترونیکی قابل طرح است، ناظر به مبنای تقنینی و عناصر نتیجه‌محور جرم‌انگاری در این ماده است. قانون‌گذار در صدر ماده، هدف از ممنوعیت را «حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان» و «تشویق رقابت‌های مشروع» اعلام کرده و در ادامه، تحقق رفتار مجرمانه را منوط به «فریب یا مشتبه شدن طرف نسبت به اصالت کالا و خدمات» دانسته است. با این حال، این عبارت با ابهاماتی مفهومی و تفسیری مواجه است.

نخست آنکه مشخص نیست منظور مقنن از «طرف» یا «مخاطب» چه شخص یا اشخاصی است. آیا مقصود، مصرف‌کننده نهایی است، یا هر شخصی که در معرض تعامل الکترونیکی قرار می‌گیرد؟ افزون بر این، معیار احراز «اشتباه» یا «فریب» نیز روشن نشده است؛ بدین معنا که آیا ملاک، برداشت نوعی و متعارف (استاندارد شخص متعارف) است یا احراز اشتباه شخصی و عینی در هر مورد خاص ضرورت دارد. این ابهام می‌تواند در مقام اجرا به تشتت رویه و دشواری اثبات منجر شود.

ثانیاً، تمرکز ماده بر فریب مخاطب، جایگاه ضرر و زیان وارده به دارنده علامت تجاری یا صاحب پلتفرم را در هاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد؛ در حالی که استفاده گمراه‌کننده از علامت تجاری در قالب نام دامنه، علاوه بر خدشه به حقوق مصرف‌کننده، ممکن است موجب ورود خسارت مادی و معنوی به دارنده حق مالکیت فکری گردد. سکوت ماده نسبت به این بُعد از موضوع، این پرسش را مطرح می‌کند که آیا حمایت از حقوق مالک علامت صرفاً به‌طور ضمنی مفروض گرفته شده است یا آنکه قانون‌گذار

^{۷۶} حبیبی و فامیلی، نظام حقوقی حاکم بر نام دامنه در حل و فصل اختلافات (با تأملی بر ماده ۶۶ قانون تجارت الکترونیک)، ۸۹ و ۹۰

^{۷۷} دهستانی؛ رویکرد نظام قضایی ایران در برابر ثبت با سوء نیت نام دامنه با نگاهی به حقوق آمریکا و آرای مرکزی داوری وایپو، ۳

عمداً رویکردی مصرف‌کننده‌محور اتخاذ کرده و جنبه مالکیتی را به قواعد عام مسئولیت مدنی یا قوانین خاص مالکیت صنعتی واگذار نموده است.

انتقادی که بر عدم دقت تقنینی ماده ۶۶ از حیث تفاوت ماهوی «علامت تجاری» و «نام دامنه» وارد شده است، در رویه قضایی تا حد زیادی مرتفع گردیده است. به‌عنوان نمونه، در رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۶۳۰۱۳۵ شعبه سوم دادگاه عمومی حقوقی تهران^{۷۸}، علی‌رغم آنکه علامت تجاری BMW دارای عناصر تصویری و ترکیبی است، دادگاه صرفاً بر اساس تشابه لفظی و کارکرد تجاری نام دامنه «bmwclub.ir»، حکم به ممنوعیت استفاده از آن صادر کرده است. این رویکرد نشان می‌دهد که محاکم با تفسیری موسع از ماده ۶۶، حمایت از علائم تجاری در برابر نام‌های دامنه را صرفاً محدود به بازنمایی کامل علامت ندانسته‌اند.^{۷۹} با این حال، بررسی رویه قضایی موجود در بحث مشخص نبودن مفهوم طرف و معیار احراز فریب یا اشتباه نشان می‌دهد که محاکم در عمل، معیار «مصرف‌کننده متعارف» را ملاک قرار داده‌اند. برای نمونه، در رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۶۳۰۱۰۷۲ در خصوص نام دامنه «pizzacompany.ir»، دادگاه صراحتاً اعلام داشته است که «عمل خواننده باعث وقوع اشتباه و گمراهی مصرف‌کنندگان نسبت به مبدأ اصلی کالا و خدمات خواهد شد».^{۸۰}

لذا با وجود ظرفیت تفسیری ماده ۶۶ قانون تجارت الکترونیکی، این ماده به‌تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی پیچیدگی‌های نوظهور اختلافات مربوط به نام‌های دامنه باشد. در نظام‌های حقوقی پیشرفته، به‌ویژه در چارچوب «سیاست یکنواخت حل اختلافات نام دامنه»، معیارهای مشخصی برای احراز ثبت و استفاده سوءنیت‌آمیز از دامنه پیش‌بینی شده است؛ از جمله «شباهت گمراه‌کننده»، «فقدان نفع مشروع» و «ثبت و استفاده با سوءنیت». در مقابل، ماده ۶۶ قانون تجارت الکترونیکی صرفاً بر «فریب یا مشتبه شدن مخاطب» تمرکز دارد و فاقد معیارهای مستقل برای تشخیص سوءنیت در ثبت دامنه است. این خلأ موجب می‌شود که محاکم ایرانی ناچار باشند با توسل به تفسیر موسع قواعد عام مسئولیت مدنی یا حقوق علائم تجاری، اختلافات دامنه‌ای را حل و فصل کنند؛ امری که می‌تواند موجب کاهش پیش‌بینی‌پذیری و تشتت رویه قضایی گردد.

از منظر تطبیقی، یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های نظام سیاست یکنواخت حل اختلافات نام دامنه با حقوق ایران، شناسایی صریح مفهوم ثبت سوءنیت‌آمیز دامنه است. در رویه‌های سازمان جهانی مالکیت فکری، صرف ثبت دامنه‌ای که متضمن سوءاستفاده از شهرت تجاری دیگری باشد، حتی در مواردی که استفاده فعال از دامنه صورت نگرفته است، می‌تواند قرینه‌ای بر سوءنیت تلقی گردد. این رویکرد به‌ویژه در پرونده مشهور Telstra توسعه یافته و مبنای شکل‌گیری دکترین «نگهداری غیرفعال» قرار گرفته است. در حقوق ایران، نه‌تنها تعریف روشنی از سوءنیت در ثبت دامنه وجود ندارد، بلکه سکوت قانون نسبت به وضعیت دامنه‌های غیرفعال نیز می‌تواند زمینه بروز اختلافات تفسیری را فراهم سازد. علاوه بر این، بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که نظام سیاست یکنواخت حل اختلافات نام دامنه اگرچه در حمایت از صاحبان علائم تجاری موفق عمل کرده، اما همواره از منظر بی‌طرفی مورد انتقاد بوده است. در حقوق ایران نیز چنانچه سازوکاری مشابه UDRP بدون پیش‌بینی تضمین‌های حمایتی لازم اقتباس گردد، احتمال شکل‌گیری نوعی حمایت افراطی از دارندگان علائم تجاری وجود خواهد داشت.^{۸۱}

در همین راستا، یکی از چالش‌های مهم نظام UDRP، پدیده «ربایش معکوس نام دامنه» است؛ وضعیتی که در آن، صاحبان علائم تجاری با استفاده از سازوکار حل اختلاف، درصد تصاحب دامنه‌هایی برمی‌آیند که به‌صورت مشروع توسط اشخاص دیگر ثبت شده‌اند. هرچند در برخی تصمیمات داوری این اقدام مورد نکوهش قرار گرفته است، اما ضمانت اجرای مؤثر و بازدارنده‌ای

۷۸ رأی شماره ی ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۶۳۰۱۳۵ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۲، صادره از شعبه ی سوم دادگاه حقوقی تهران در پرونده کلاسه ۹۱۰۹۹۸۰۲۲۶۳۰۰۶۶۵

۷۹ انتصاریان، جواد؛ تعارض نام دامنه اینترنتی با علامت تجاری، حقوق خصوصی (دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری): ۷۳ و ۷۴

۸۰ رأی شماره ی ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۶۳۰۱۰۷۲؛ صادره از شعبه ی ۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران در پرونده ی کلاسه ۹۱۰۹۹۸۰۲۲۶۳۰۰۴۵۲

⁸¹ <https://www.icann.org/en/contracted-parties/consensus-policies/uniform-domain-name-dispute-resolution-policy/uniform-domain-name-dispute-resolution-policy-25-02-2012-en>

علیه شاکیان سوءنیت دار وجود ندارد و اعلام ربایش معکوس نام دامنه غالباً جنبه اعلامی و نمادین دارد.^{۸۲} این مسئله نشان می‌دهد که الگوبرداری حقوق ایران از نظام UDRP باید همراه با ملاحظات حمایتی نسبت به حقوق ثبت‌کنندگان مشروع دامنه باشد و صرف حمایت از صاحبان علائم تجاری نمی‌تواند هدف نهایی سیاست‌گذاری تقنینی تلقی شود.

از منظر نهادی نیز، نقش ایرنیک در مدیریت دامنه‌های ir واجد اهمیت اساسی است. اگرچه ایرنیک مقرراتی برای ثبت دامنه‌ها تدوین کرده و در برخی موارد از الگوی UDRP تأثیر پذیرفته است^{۸۳}، اما نظام حل اختلاف دامنه‌های ir هنوز فاقد ساختار تخصصی و منسجم داوری مشابه مراکز وابسته به سازمان جهانی مالکیت فکری است. در حال حاضر، بخش قابل توجهی از اختلافات دامنه‌ای در ایران از طریق محاکم عمومی رسیدگی می‌شود؛ در حالی که ماهیت فنی و فراملی این اختلافات اقتضا می‌کند سازوکاری سریع، تخصصی و کم‌هزینه برای حل و فصل آن‌ها ایجاد شود. از این جهت پیشنهاد می‌شود هیأت داوری تخصصی نام‌های دامنه زیر نظر ایرنیک تأسیس شود. این هیأت با الهام از مرکز داوری وایپو، به صورت غیرحضوری، سریع و کم‌هزینه به اختلافات دامنه‌های دات آی آر رسیدگی کند. اعضای هیأت از میان حقوقدانان متخصص در مالکیت فکری انتخاب شوند. هیأت صرفاً بر اساس سه معیار شباهت گمراه‌کننده، فقدان حق مشروع و سوءنیت رأی به انتقال، لغو یا ابقای دامنه صادر کند. این سازوکار ضمن جبران خلأ قانونی، از توسعه سایبراسکواتینگ و تایپواسکواتینگ در ایران جلوگیری می‌کند.

بر این اساس، به نظر می‌رسد نظام حقوقی ایران نیازمند تدوین یک چارچوب مستقل و تخصصی برای حل اختلافات نام دامنه است. چنین چارچوبی می‌تواند با الهام از UDRP، معیارهای مشخصی برای احراز سوءنیت، حمایت از منافع مشروع ثبت‌کنندگان دامنه، شناسایی cybersquatting و typosquatting و نیز مقابله با ربایش معکوس نام دامنه پیش‌بینی کند. همچنین ایجاد نهاد داوری تخصصی زیر نظر ایرنیک، پیش‌بینی امکان انتقال دامنه به‌عنوان ضمانت اجرا و تدوین رویه‌های شفاف رسیدگی الکترونیکی، می‌تواند گامی مؤثر در جهت تقویت امنیت حقوقی و اعتماد فعالان اقتصادی در فضای دیجیتال باشد.

۸۲ اسلامی‌پناه و تقی‌زاده، «پدیده غصب سایبری و طرق حل اختلاف مربوط بدان؛ با تمرکز بر سیاست متحدالشکل حل و فصل اختلافات نام دامنه»، مجله حقوقی دادگستری، بهار ۱۴۰۲، صص. ۵۶-۵۷.

⁸³ https://www.nic.ir/Rules_for_Dispute_Resolution_ir#Definitions

نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

بررسی نظام حل و فصل اختلافات نام‌های دامنه در چارچوب سیاست یکنواخت حل اختلافات نام دامنه (UDRP) و تحلیل دو پرونده شاخص *Telstra v. Nuclear Marshmallows* و *ESPN v. XC2* نشان می‌دهد که این سازوکار، علیرغم کارآمدی نسبی، با کاستی‌های ساختاری و رویه‌ای قابل توجهی مواجه است. مهم‌ترین نقاط قوت UDRP را باید در سرعت رسیدگی، هزینه کمتر نسبت به دعاوی قضایی سنتی و قابلیت اجرای بین‌المللی آراء دانست؛ ویژگی‌هایی که آن را به یکی از موفق‌ترین نظام‌های حل اختلاف در فضای سایبری تبدیل کرده است. با این حال، تحلیل آرای صادره از سوی وایبو نشان می‌دهد که این نظام در عمل به‌گونه‌ای تفسیر و اجرا شده که حمایت گسترده‌تری از دارندگان علائم تجاری مشهور به عمل می‌آورد و همین امر در برخی موارد موجب برهم خوردن تعادل میان حقوق شاکیان و ثبت‌کنندگان دامنه شده است.

پرونده *Telstra* اگرچه از حیث تبیین دکترین «نگهداری غیرفعال» نقطه عطف مهمی در توسعه رویه UDRP محسوب می‌شود، اما تفسیر موسع آن از مفهوم «استفاده با سوءنیت» موجب شکل‌گیری رویه‌ای شده است که در آن، صرف شباهت دامنه با یک علامت تجاری مشهور و عدم استفاده فعال از دامنه می‌تواند برای انتقال آن کافی تلقی شود. چنین رویکردی، در صورت فقدان معیارهای محدودکننده، امنیت حقوقی ثبت‌کنندگان مشروع دامنه را با تهدید جدی مواجه می‌سازد. از سوی دیگر، پرونده *ESPN* به‌درستی تایپوسکوآتینگ را مصداق آشکار سوءنیت دانسته، اما اتکای هیئت داوری به عدم پاسخ‌گویی خواننده و عدم بررسی دقیق میزان کنترل وی بر لینک‌های تبلیغاتی، اصل بی‌طرفی و توازن در رسیدگی را تا حدودی مخدوش کرده است. در واقع، هر دو پرونده نشان می‌دهند که نظام UDRP در کنار کارآمدی خود، ظرفیت آن را دارد که در مواردی به ابزاری در جهت حمایت افراطی از صاحبان علائم تجاری مشهور تبدیل شود.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که مهم‌ترین ضعف ساختاری UDRP، فقدان تضمین‌های مؤثر برای مقابله با «ربایش معکوس نام دامنه» است. هرچند بند ۱۵ (هـ) قواعد UDRP این مفهوم را به رسمیت شناخته، اما ضمانت اجرای پیش‌بینی‌شده صرفاً جنبه اعلامی و نمادین دارد و فاقد اثر بازدارنده واقعی است. در نتیجه، صاحبان قدرتمند علائم تجاری می‌توانند با هزینه اندک و ریسک محدود، علیه دارندگان مشروع دامنه اقدام دعوا کنند و آنان را تحت فشار قرار دهند. این مسئله به‌ویژه در مواردی اهمیت می‌یابد که خواننده فاقد توان مالی یا تخصص حقوقی کافی برای دفاع مؤثر از خود باشد.

در نظام حقوقی ایران نیز، علیرغم پیش‌بینی ماده ۶۶ قانون تجارت الکترونیکی، هنوز چارچوبی تخصصی، منسجم و متناسب با پیچیدگی‌های اختلافات دامنه‌ای وجود ندارد. ماده مزبور اگرچه استفاده گمراه‌کننده از علائم تجاری در قالب نام دامنه را ممنوع دانسته، اما از حیث عدم تفکیک میان «علامت تجاری» و «نام تجاری»، ابهام در معیار «فریب یا اشتباه» و سکوت نسبت به مفهوم سوءنیت در ثبت دامنه، با کاستی‌های تقنینی قابل توجهی مواجه است. افزون بر این، فقدان مرجع تخصصی برای رسیدگی به این اختلافات، موجب ارجاع دعاوی به محاکم عمومی شده که غالباً فاقد تخصص فنی لازم در حوزه نام‌های دامنه و زیرساخت‌های اینترنتی هستند.

بر این اساس، به نظر می‌رسد مهم‌ترین ضرورت برای نظام حقوقی ایران، تدوین یک نظام حقوقی مستقل و تخصصی برای حل اختلافات دامنه‌ای است. در این راستا، قانون‌گذار یا مرکز ثبت دامنه‌های کشوری (ایرنیک) باید با الهام از ساختار UDRP، اما با پرهیز از کاستی‌های آن، مقرراتی اختصاصی تدوین کند که در آن معیارهای «شباهت گمراه‌کننده»، «فقدان منفعت مشروع» و «ثبت و استفاده با سوءنیت» به‌صورت دقیق، شفاف و محدودکننده تعریف شوند. به‌ویژه ضروری است مفهوم سوءنیت در حقوق ایران مبتنی بر قرائن عینی و فنی تفسیر شود تا صرف شهرت علامت تجاری یا عدم استفاده فعال از دامنه، به‌تنهایی موجب

انتقال آن نگردد. چنین رویکردی می‌تواند میان حمایت از حقوق مالکیت فکری و اصل امنیت حقوقی ثبت‌کنندگان دامنه تعادل برقرار کند.

همچنین ایجاد یک نهاد تخصصی حل اختلافات دامنه‌ای زیر نظر ایرنیک، با ساختاری مشابه مرکز داوری و میانجی‌گری واپو، از دیگر ضرورت‌های تقنینی و اجرایی در حقوق ایران است. این نهاد باید دارای آیین رسیدگی مستقل، فرآیند کاملاً الکترونیکی، هزینه‌های معقول و هیئت‌های داوری متشکل از متخصصان حقوق مالکیت فکری و فناوری اطلاعات باشد. افزون بر این، برخلاف نظام UDRP، لازم است ضمانت اجراهای مؤثر و بازدارنده‌ای برای مقابله با «ربایش معکوس نام دامنه» پیش‌بینی شود؛ به‌گونه‌ای که در صورت احراز سوءنیت شاکی، علاوه بر رد دعوا، امکان محکومیت وی به جبران خسارت، پرداخت هزینه‌های داوری و سایر ضمانت اجراهای متناسب نیز وجود داشته باشد.

در نهایت، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده به بررسی تطبیقی نظام‌های حل اختلاف دامنه در کشورهای مختلف، تحلیل مسئولیت مدنی ناشی از ربایش معکوس نام دامنه، جایگاه هوش مصنوعی و الگوریتم‌های تشخیص شباهت در اختلافات دامنه‌ای و نیز امکان طراحی نظام بومی حل اختلافات سایبری در حقوق ایران بپردازند. همچنین مطالعه ارتباط میان اختلافات دامنه‌ای و قواعد رقابت نامشروع، حمایت از داده‌ها و حقوق مصرف‌کننده می‌تواند افق‌های جدیدی را در ادبیات حقوق مالکیت فکری و حقوق سایبری ایران بگشاید.

منابع

۱. اسلامی‌پناه، علی، و کامل تقی‌زاده. ۱۴۰۲. «پدیده غصب سایبری و طرق حل اختلاف مربوط بدان؛ با تمرکز بر سیاست متحدالشکل حل‌وفصل اختلافات نام دامنه». مجله حقوقی دادگستری (پیاپی ۱۲۱): ۴۷-۶۷.
۲. الماسی، میلاد. ۱۳۹۹. «نقش داوری و میانجی‌گری در حل‌وفصل اختلافات مالکیت فکری با نگاهی بر مقررات واپیو». فصلنامه بین‌المللی قانون یار ۴ (۱۶): ۱۰۵-۱۱۸.
۳. انتصاریان، جواد. ۱۳۹۵. تعارض نام دامنه اینترنتی با علامت تجاری. حقوق خصوصی (دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری)، ۲: ۷۲-۸۲.
۴. باقرپور، س. ۱۴۰۲. «بررسی و تبیین حق سکوت متهم در پرتو حقوق موضوعه ایران، فقه اسلامی و اسناد بین‌المللی». در مجموعه مقالات هشتمین همایش بین‌المللی فقه و حقوق، وکالت و علوم اجتماعی. همدان.
۵. حبیبی، محمود، و راضیه فامیلی. ۱۴۰۰. «نظام حقوقی حاکم بر نام دامنه در حل‌وفصل اختلافات (با تأملی بر ماده ۶۶ قانون تجارت الکترونیک)». فصلنامه قضاوت ۲۱ (۱۰۵): ۹۱-۱۱۶.
۶. حسین‌آبادی، محمدمبین. ۱۴۰۲. «روش‌های حل‌وفصل اختلافات نام دامنه با تأکید بر رویه قضایی». در «ششمین همایش ملی فناوری‌های نوین در علوم انسانی، مدیریت و بازاریابی ایران»، تهران.
۷. دهستانی، امیر. ۱۳۹۲. «رویکرد نظام قضایی ایران در برابر ثبت با سوءنیت نام دامنه، با نگاهی به حقوق آمریکا و آرای مرکز داوری واپیو». تحقیقات حقوقی بین‌المللی ۲۰ (۶): ۱-۲۰.
۸. رأی شماره ۹۰۰۹۹۷۰۲۲۶۳۰۱۰۷۲؛ صادره از شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران در پرونده کلاسه ۹۰۰۹۹۸۰۲۲۶۳۰۰۴۲۵.
۹. رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۶۳۰۰۱۳۵؛ صادره از شعبه سوم دادگاه حقوقی تهران در پرونده کلاسه ۹۱۰۰۹۹۸۰۲۲۳۶۰۰۶۶۵.
۱۰. رئیس، لیلا. ۱۳۹۲. نظام حل‌وفصل اختلافات حقوق مالکیت معنوی. تهران: انتشارات جنگل.
۱۱. معاونت پژوهش و آموزش، مطالعات و پژوهش‌های حقوق اقتصادی و بازرگانی. ۱۳۸۶. حمایت از مالکیت فکری در محیط اینترنتی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۱۲. میرحسینی، سیدحسن. ۱۳۹۴. مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی. چاپ پنجم. تهران: نشر میزان.
۱۳. هوشمند، روجا. ۱۳۹۷. «حل‌وفصل اختلافات ناشی از ثبت دامنه در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی با تأکید بر رویه محاکم قضایی». پایان‌نامه دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نراق.
14. Christie, Andrew F., Online Dispute Resolution - The Phenomenon of the UDRP (May 5, 2014). P Torremans (ed), Research Handbook on the Cross-Border Enforcement of Intellectual Property, Edward Elgar, Forthcoming, U of Melbourne Legal Studies Research Paper No. 681.
15. Domain News. 2023. "Understanding TLD, gTLD, nTLD, and ccTLD: A Guide to Domain Suffixes." Accessed October 2, 2025. <https://domain.news/understanding-tld-gtld-ntld-and-ccTLD-a-guide-to-domain-suffixes/>.
16. Froomkin, A. M. 2000. "ICANN's 'Uniform Dispute Resolution Policy'—Causes and (Partial) Cures." *Brooklyn Law Review* 67 (3): 605-724.
17. Geist, M. A. 2001. "Fair.com?: An Examination of Allegations of Systemic Unfairness in the ICANN UDRP." *Brooklyn Journal of International Law* 27 (3): 903-938.
18. ICANN. 2022. "The Domain Name System (DNS)." Accessed October 2, 2025. <https://www.icann.org/resources/pages/dns-2022-09-13-en>.
19. ICANN. 2022. "Types of Domain Names." Accessed October 2, 2025. <https://www.icann.org>.
20. ICANN. 2023. "New gTLD Program: Frequently Asked Questions." Accessed October 2, 2025. <https://newgtlds.icann.org/en/applicants/global-support/faqs/faqs-en>.
21. ICANN. 2024. *Uniform Domain Name Dispute Resolution Policy (UDRP)*. Retrieved May 24, 2026, from <https://www.icann.org/en/contracted-parties/consensus-policies/uniform-domain-name-dispute-resolution-policy/uniform-domain-name-dispute-resolution-policy-25-02-2012-en>
22. International Telecommunication Union (ITU). 2009. "Internationalized Domain Names (IDN)." Accessed October 2, 2025. <https://www.itu.int/ITU-T/special-projects/idn/introduction.html>.
23. Internet Corporation for Assigned Names and Numbers (ICANN). 2024. "Policy Development on Internationalized Domain

- Names (IDNs)." <https://itp.cdn.icann.org/en/files/policy-development/pc2-topic25-idns-10-09-2024-en.pdf>.
24. Internet Engineering Task Force. 1994. "RFC 1591: Domain Name System Structure and Delegation." <https://datatracker.ietf.org/doc/html/rfc1591>.
 25. IRNIC. . Rules for IR domain name dispute resolution policy (.ir). Retrieved from :
https://www.nic.ir/Rules_for_Dispute_Resolution_ir#Definitions
 26. Jaivardhan Singh, "Domain Name Dispute in the Age of Social Media and E-Commerce", Dr. Bhim Rao Ambedkar National Law University, Sonapat (2024), pp. 634–642.
 27. Lemley, M. A., and D. S. Levine. 2009. "Domain Name Regulation: The Case for Rethinking ICANN." *Illinois Law Review* 2009 (2): 363-402.
 28. Mercer, J. D. 2001. "Cybersquatting: Blackmail on the Information Superhighway." *Boston University Journal of Science & Technology* 6: 1-22. <https://www.bu.edu/law/journals-archive/scitech/volume6/mercer.pdf>.
 29. Mockapetris, P. 1987. "Domain Names—Concepts and Facilities (RFC 1034)." Internet Engineering Task Force (IETF).
 30. Organisation for Economic Co-operation and Development. 1997. *Internet Domain Names: Allocation Policies (OECD Digital Economy Papers, no. 30)*. Paris: OECD Publishing. <https://doi.org/10.1787/237020717074>.
 31. Schultz, C. A., and C. A. Hofflander. 2013. "Reverse Domain Name Hijacking and the Uniform Domain Name Dispute Resolution Policy: Systematic Weaknesses, Strategies for the Respondent." *Cybaris: Journal of the Center for Internet & Society* 4 (2): 1-33.
 32. Weinberg, J. 2002. "ICANN and the Problem of Legitimacy." *Duke Law Journal* 50 (1): 187-260.
 33. World Intellectual Property Organization (WIPO). 2000. *WIPO Arbitration and Mediation Center, Case No. D2000-0003*. <https://www.wipo.int/amc/en/domains/decisions/html/2000/d2000-0003.html>.
 34. World Intellectual Property Organization (WIPO). 2004. *WIPO Arbitration and Mediation Center, Case No. D2004-1034*. <https://www.wipo.int/amc/en/domains/decisions/html/2004/d2004-1034.html>.
 35. World Intellectual Property Organization (WIPO). 2004. *WIPO Arbitration and Mediation Center, Case No. D2004-1069*. <https://www.wipo.int/amc/en/domains/decisions/html/2004/d2004-1069.html>.
 36. World Intellectual Property Organization (WIPO). 2005. *WIPO Arbitration and Mediation Center, Case No. D2005-0444*. <https://www.wipo.int/amc/en/domains/decisions/html/2005/d2005-0444.html>.
 37. World Intellectual Property Organization (WIPO). 2008. *WIPO Arbitration and Mediation Center, Case No. D2008-1313*. <https://www.wipo.int/amc/en/domains/decisions/html/2008/d2008-1313.html>.
 38. World Intellectual Property Organization (WIPO). 2020. "Intellectual Property Challenges in the Digital Age." Accessed October 2, 2025. https://www.wipo.int/pressroom/en/articles/2020/article_0011.html.
 39. World Intellectual Property Organization (WIPO). 2021. *WIPO Overview of WIPO Panel Views on Selected UDRP Questions, Third Edition (WIPO Overview 3.0)*. Geneva: WIPO. Accessed October 2, 2025. <https://www.wipo.int/amc/en/domains/search/overview3.0/>.
 40. World Intellectual Property Organization (WIPO). 2023. "WIPO Arbitration and Mediation Center." Accessed October 2, 2025. <https://www.wipo.int/amc/en/>.
 41. World Intellectual Property Organization (WIPO). 2023. "WIPO Arbitration and Mediation Center: UDRP Process." Accessed October 2, 2025. <https://www.wipo.int/amc/en/processes/process1/index.html>.
 42. World Intellectual Property Organization (WIPO). 2023. "WIPO Guide to the Uniform Domain Name Dispute Resolution Policy (UDRP)." Accessed October 2, 2025. <https://www.wipo.int/amc/en/domains/guide/>.